بشارت

نوشته: دکتر کریستی ویلسن

فهرست

فصل اول: محرک بشارت...۱
الف– قدردانی و امتنان برای نجات
ب– محبت برای مسیح ما را مایل به شرکت در بخشش پربهای او خواهد نمود
ج– محبت به همنوعان و دلسوزی نسبت به گمراهان ما را به بشارت تحریک می‌نماید
د– احتیاج دنیا چهارمین چیزی است که ما را وادار به بشارت می‌نماید
ه– ما همکاران با خدا هستیم. این یک محرک دیگر برای انتشار کلام مسیح است (اول قرنتیان ۳: ۹و دوم قرنتیان ۶: ۱)
و– فرمان خداوند ما عیسای مسیح آخرین و شاید بزرگترین محرک ما به بشارت می‌باشد

فصل دوم: منابع بشارت.. ۶
الف– عقاید ما نسبت به دلایل عقلی و نقلی:
ب– مطالعه کتاب مقدس
ج– توضیح و تشریح کلام خدا
د– تکامل تدریجی مکاشفه
۱– مذبح برنجی
۲– حوض برنجی
۳– نان تقدمه
۴– چراغدان طلا
۵– مذبح بخور
۶– قدس‌الاقداس

فصل سوم: مژده بشارت ۱۱

فصل چهارم: طرق بشارت.. ۱۶
توسعه روش مسیح در بشارت

فصل پنجم: اسرار بشارت...۲۲

فصل اول: محرک بشارت

در آغاز خوب است بیانی را که پولس رسول یعنی آن مبشر سالخورده به همکار جوان خویش می‌گوید در مد نظر آریم که می‌فرماید: «عمل مبشر را بجا آور و خدمت خود را به کمال رسان» (دوم تیموتاؤوس ۴: ۵). همیشه پولس با حرارت و غیرت بشارت افروخته بود و از زمان او تاکنون پیوسته هزاران مسیحی بشارت دادن را مهم‌ترین کار زندگانی خود دانسته‌اند. هیچ چیز حتی سرما، گرما، کوه‌ها، نهرها و اقیانوس‌ها هم نتوانسته مانع حرارت و غیرت روحانی آنها در دادن مژده نیکوی مسیح به عالمیان گردد. پس خوب است بپرسیم آن محرکهایی که در طول قرون متمادی مسیحیان را با آن اشتیاق روزافزون وادار به ترک همه چیز خود نموده چیست؟ چه چیز سبب شد که «هنری مارتین» مبشر وقتی قریب صد و سی سال پیش به ساحل هندوستان رسید، بگوید: «بگذارید به خاطر مسیح چون شمع سوخته و فانی شوم.» یک نفر درویش مسیحی در ایران که اکنون هم حیات دارد وقتی در جلو عمال دولتی می‌ایستاد، برای چه با جرأت می‌گفت: «من مبشر خداوند جلال هستم» در صورتی که درهای محبس در پیش او باز بود؟ فی‌الجمله چرا کار برای مسیح مهم‌ترین اقدامی است که می‌توان در طی زندگانی جسمانی انجام داد؟ محرکی که این رویه و طریقه را در زندگانی مسیحیان بی‌شماری قوه عامله قرار داده چیست و عللی که ما را وادار به تخصیص زندگانی خود به بشارت می‌کند، کدام است؟

الف– قدردانی و امتنان برای نجات. این اولین محرکی است که باید گفت ما را وادار به راهنمایی دیگران به نجات حاصله در مسیح می‌نماید. در انجیل یوحنا ۳: ۱۱ مسیح می‌گوید: «آنچه می‌دانیم می‌گوییم و به آنچه دیده‌ایم شهادت می‌دهیم.» برای شهادت دادن به فیض نجات‌بخش مسیح ابتدا باید خود ما برای خویش معنی این حقیقت بزرگ روحانی را دریابیم. مردی که فقط شهادت افواهی بدهد هیچگاه نمی‌تواند بهترین شاهد مسیح باشد. وقتی شاؤول رؤیای مسیح قیام کرده را در راه دمشق دید، فوری فهمید که دیدن مسیح با چشم خود یک مسؤولیتی در وی ایجاد نمود و بدون تأمل فریاد زد: «خداوندا مرا چه بایست کرد؟» وقتی ما مسیح را دیده و برکات روح را از وی دریافت داریم، از زیادی شکرگزاری و امتنان نمی‌توانیم از بیان محبت‌هایی که به ما نموده خودداری کنیم، اما تا خود نجات نیابیم، نمی‌توانیم دیگران را راهنمایی به نجات کنیم. خود ما باید ابتدا بیداری روحانی بیابیم و آن وقت طبعا دیگران را در روح بیدار می‌نماییم، زیرا به طوری که می‌دانیم: خفته را خفته کی کند بیدار؟ به عبارت دیگر اگر خود ما چشمه حیات را پیدا نکرده باشیم، چطور می‌توانیم دیگران را به آشامیدن آب حیات هدایت کنیم. از طرف دیگر وقتی شخص آب حیات را بیابد، خیلی باید ناسپاس باشد که دیگران را که چون خود او در بیابان زندگانی سفر می‌کنند در حال تشنگی گذاشته و به نزد این آب گوارا نیاورد.

برای توضیح مطلب یکی از دوستان خود را در اینجا نمونه می‌آورم. قریب پنج سال قبل یک جوان کرد به مدرسه‌ای که نویسنده در آن به طور موقت سمت ریاست داشت آمد و اظهار داشت که وی مایل به تحصیل است و مخصوصا می‌خواهد بیشتر از کتاب عهد جدید و مسایل روحانی آگاهی یابد، زیرا مشتاق کسب نجات و حیات بهتری است. گرچه وی فقط به کلاس سوم پذیرفته شد، با وجود این با اراده و عزم ثابتی شروع به کار کرده و یکی از ساعی‌ترین محققین و جویندگانی بود که در روزهای جمعه در منزل من می‌آمدند. چندان طولی نکشید که این جوان اظهار ایمان به مسیح نمود و از همان لحظه معلوم بود که حالت وی تغییر یافته است. به زودی زندگانی وی از فروغ روح‌القدس روشن گردید و فوری شروع به دعوت دوستان خود به مجالس روحانی و منزل شخصی نویسنده نمود. در بازار، خیابان، دهات و هر جایی که می‌رفت با مردم درباره مسیح گفتگو می‌کرد. وقتی به قریه خود وارد شد، فوری ارثی که به وی رسیده بود ضبط گردید، زیرا دین قدیم خود را ترک گفته و با بی‌باکی به مسیح شهادت می‌داد. اهمیت مسأله در اینجاست که به محض پیدا کردن مسیح و یافتن حیات تازه با کمال شادی و امتنان مژده نیکو به مردم داد.

در موقع خود این جوان کرد تعمید یافته و بنام سموئیل موسوم گردید. بدون تردید وی قبل از تعمیدش هم کتاب عهد جدید را بهتر از قریب دویست نفر شاگردی که در مدرسه با او درس می‌خواندند می‌دانست و تقریبا برای هر مطلبی از کلام خدا استشهاد می‌آورد چنانچه خود مسیح نیز در موقع آزمایش عظیم در بیابان همین کار را کرد. سال بعد رئیس مدرسه از مرخصی مراجعت نموده و بعد عهده‌دار امور مدرسه شد. سموئیل از وی تقاضا نمود که در یک

سال دو کلاس طی نماید، زیرا وی سنش از دیگران بیشتر بوده و تابستان را هم تحصیل می‌کرد. رئیس مدرسه به مشارالیه جواب داد که شاگرد باید قبل از دخول به کلاس بالاتری امتحان کلیه دروس خود را بدهد. جوان مذکور تقاضا کرد که برای آزمایش چند روزی اجازه دخول به کلاس بالاتر به وی داده شود و چنانچه ابراز لیاقت ننمود با پای خود به کلاس پایین می‌رود. رئیس به وی اظهار داشت که البته مایل است او را کمک نماید، اما قانون مدرسه را نمی‌توان شکست. سموئیل در جواب وی این آیه عهد جدید را استشهاد نموده گفت: «من در زیر شریعت و قانون نیستم، بلکه زیر فیض می‌باشم.»

پس از اتمام تحصیلات ابتدایی سموئیل داخل نظام شد تا دو سال خدمت وظیفه خود را به اتمام رساند. در آنجا وی نمونه برجسته و درخشانی از وطن‌پرستی مسیحی بود. روزی صاحب‌منصبش ملاحظه نمود که او مشغول خواندن کتاب انجیل است. پس به وی امر کرد که کتاب را کنار گذارده و به جای آن کتاب دستور جنگ نظامی را بخواند. سموئیل به حالت سلام ایستاده و گفت: «جناب سلطان، اگر به خاطر این کتاب نمی‌بود، من هم تاکنون مانند بسیاری از رفقایم از سرحد گذشته و از خدمت نظام فرار می‌کردم، اما از همین کتاب من وظیفه خود را به مملکت و خدای خود فهمیده و اینک در حضور شما به حالت سلام ایستاده‌ام.» صاحب‌منصب از آنجا رفت و پس از آن هرگز کسی سموئیل را از خواندن کتاب مقدس مانع نگردید. در طی چند جنگ و بعدها در بیمارستان نظام وی لفظا و عملا به مسیح شهادت داد. پس از اتمام خدمت نظام سموئیل به بسیاری از دهات اطراف رفته و فقط به انتشار و موعظه کلام مسیح پرداخت. مسیحیان ظاهری و اشخاص دیگر از غیرت و حرارت این جوان کرد تعجب می‌نمودند.

اندکی پس از آن وی به تبریز آمده و تمام کلیسا را از شهادت خویش به هیجان آورد و در حضور یک عده از مسیحیان مثل پسر گمشده را خواند (لوقا ۱۷: ۱۱- ۲۴) و از ایشان تقاضا نمود که وقتی این مثل را می‌خوانند او را به خاطر آورند. در آن وقت هیچ یک از حضار که نویسنده هم در جزو آنان بود، نمی‌دانستند که خدای پدر او را به زودی به نزد خود خواهد خواند. سپس سموئیل به اصفهان سفر نمود تا به علاوه غیرت روحانی در مدرسه بشارت تعلیمات لازم را نیز فرا گیرد. در آنجا هم نور حرارت و غیرت وی تابیدن گرفت، ولی به زودی موقع اجابت دعوت حق رسید و مشارالیه برای عمل مختصری به بیمارستان رفت. در بیمارستان او را بیهوش نمودند و دیگر هوشیاری و بیداری را ندیده به آرامی به نزد پدر که انتظار بازگشت وی را داشت، شتافت. از همان لحظه‌ای که این جوان مسیح را شناخت و زندگانی او نورانی شد، کاملا خود را به وی تسلیم نمود. اکنون وی مشعل بشارت و هدایت را به ما می‌سپارد که مانند او فروغ مسیح را به وسیله اعمال و گفتار خود به مردم تاریک دل و تیره روان نشان دهیم. روح او با قدرت در کلیسا نفوذ داشته و خوب است ما هم زندگانی خویش را وقف همان کاری نماییم که وی تا آن درجه اشتیاق انجامش را داشت.

مرقس عبدالمسیح مصری که سابقا مسلمان بوده و اکنون یک نفر مبشر مسیحی است زمانی به نویسنده چنین می‌گفت: «آیا می‌دانید چرا عده بسیاری که خود را مسیحی می‌خوانند می‌گویند مسیحی شدن یک نفر مسلمان غیرممکن است؟ اغلب آنها هرگز خودشان تولد تازه نیافته‌اند و معنی آن را نمی‌دانند. بنابراین می‌گویند که هیچ مسلمانی نمی‌تواند مسیحی حقیقی بشود.» وقتی ما مسیح را پیدا نموده و خود را تسلیم وی کنیم، همان شکرگزاری و سپاسی که ما نسبت به بخشش‌های وی داریم، خود پیام و مژده‌ای برای دیگران است. آن وقت ما هم می‌توانیم چون رسولان بگوییم: «زیرا که ما را امکان نیست که آنچه دیده و شنیده‌ایم نگوییم» (اعمال رسولان ۴: ۲۰).

ب- محبت برای مسیح ما را مایل به شرکت در بخشش پربهای او خواهد نمود. در قرن سیزدهم ریمون لول که یکی از اولین مبشرین مسیحی است در میان مسلمین به بشارت کلام مسیح پرداخت. وی جوانی بود که در تمول و ثروت و تجمل این دنیا زندگانی می‌کرد، ولی یک مرتبه رؤیای محبت عجیب مسیح را دید و از همان لحظه زندگانی تا دم مرگ با غیرت و حرارت بسیار کوشش نمود که برادران مسلمان خود را شریک بخشش عظیم محبت مسیح نماید. ریمون لول اهل اسپانیا و مسلمین دشمنان تاریخی نژاد و ملت وی بودند، اما محبت مسیح دشمنان را نیز چون دوستان شامل و تنها عاملی است که همه موانع مابین رنگ و نژاد و مذهب را از میان می‌برد (افسسیان ۳: ۱۸و ۱۹). محبت مسیح چهار جهت دارد؛ یعنی طول و عرضش به قدری زیاد است که همه نژاد و اقوام را در حیطه نفوذ خود می‌تواند آورد و عمق و ارتفاع آن به حدی است که هر درجه تمدن و محیط و معرفت را شامل است.

چنانچه محبت مسیح محرک ما گردد، هیچگاه در بشارت خود مردم را مجبور به قبول چیزی نخواهیم نمود، بلکه با کمال محبت آنها را دعوت خواهیم کرد تا در بهترین و نیکوترین چیزی که در زندگانی خود یافته‌ایم با ما شرکت نمایند. همیشه مسیحیت با این طریق عالی پیشرفت نکرده و مخالفت‌های بسیاری با سایر ادیان شده و حتی بعضی اشخاص سعی کرده‌اند که ملکوت پادشاه صلح و سلامتی را به ضرب شمشیر منتشر سازند! مسیح به کلیه این اشخاص می‌گوید: «شمشیر خود را غلاف کن، زیرا هر که شمشیر گیرد به شمشیر هلاک گردد» (متی ۲۶: ۵۲). آنانی که می‌خواهند سرباز مسیح باشند هیچگاه نباید فراموش نمایند که ملکوت او روحانی است و تنها قوه‌ای که شخص را وادار به پیشرفت می‌نماید محبت مسیح است نه زور و اجبار دنیوی. اصلاحات ظاهری و اسمی در دین اغلب مردم نباید مهم‌ترین منظور ما باشد، بلکه باید کوشش نماییم که باطنا زندگانی مردم را تغییر داده و همیشه به مردم توضیح دهیم که یک نوع دین تازه‌ای به مردم ارائه نمی‌دهیم، بلکه قوه‌ای جدید برای حیات به ایشان می‌نماییم و به عبارت دیگر اسمی تازه برایشان نمی‌گذاریم، بلکه روحی تازه به آنان می‌بخشیم. ما مبلغ نبوده و نیستیم، بلکه رسولان؛ یعنی آورندگان پیامی می‌باشیم که آن پیام «روح حیات است.»

ج– محبت به همنوعان و دلسوزی نسبت به گمراهان ما را به بشارت تحریک می‌نماید. کاگاوای ژاپنی یکی از پیشوایان امروزه مسیحیان است. نویسنده کتاب او را که موسوم به «محبت قانون حیات» است مطالعه نمود. در حقیقت محبت به نوع اصل مهم و اساس زندگانی کاگاوا می‌باشد. همین محبت او را وادار نمود که امیدهای بیهوده تمول و ترقی در عالم سیاست را از دست داده در یک اتاق کوچکی که چند ذرعی بیش نبود در محلات پست شهر «کوبه» در ژاپن زندگی را بسر برده و با وضعیت اسفناک زندگانی طبقاتی پست و فقیر که آنها را خدمت می‌نمود شریک و سهیم گردد. کاگاوا در کتاب مذکور نشان می‌دهد که تا محبت کاملی مانند خود مسیح نسبت به همنوع در ما نباشد نمی‌توانیم صلح و دوستی ملل عالم را ایجاد کنیم و طرز نوینی در جامعه عملی نماییم. همه کسانی که با محبت آشنایی دارند می‌دانند که محبت؛ یعنی محبت نسبت به خدا و انسان، اصل مهم و عمده ملکوت مسیح است. بر طبق مندرجات عهد جدید بهترین دلیل محبت ما نسبت به خدا خدمت از روی محبت برای اصلاح جامعه است.

کاگاوا از بهترین و معروفترین نویسندگان و شعرای ژاپن است و صدها هزار نسخه از کتب او طبع و منتشر گردیده است، ولی او از وجوه متنابهی که از فروش کتب خود به دست می‌آورد به هیچ وجه استفاده و منفعت نمی‌برد، بلکه تمام عایدی آن را صرف بسط ملکوت خدا و بهبودی حالت اجتماعی می‌نمود. در نتیجه زحمات کاگاوا و چند نفر از دوستانش «نهضت ملکوت خدا» در ژاپن شروع گردیده است. اولین منظور این نهضت آن بود که یک میلیون نفوس ژاپنی را به سوی مسیح رهبری کند و عقیده کاگاوا این است که کلیسایی با این عده اعضا نفوذ روحانی بسیار مهم و عظیمی در پیشرفت مملکت ژاپن خواهد داشت. مسیحیان بزرگ، چون کاگاوا می‌توانند در بشر تعمق نموده و احتیاج عظیم توده را برای فدیه و تولد تازه به وسیله مسیح احساس نمایند. مردمان گمراه؛ یعنی گوسفندان بی‌شبان جلب توجه این اشخاص صاحب‌دل را نموده و آنها نیز چون مسیح خداوند بر جماعات مردم با دلسوزی نظر می‌نمایند. خوب است دعا کنیم تا خداوند و مالک مزرع این دنیا کارگرانی چون کاگاوا برای محصول سفید شده این کشور که حاضر دروست ایجاد و هدایت فرماید و اشخاصی را که مملو از محبت مسیح و دوستدار جان‌های مردم باشند برانگیزاند (متی ۹: ۳۷).

شیخ سعدی شیرازی با بیانی زیبا و ساده روح محبت به نوع را به طوری که انجیل تعلیم می‌دهد چنین به نظم درآورده است:

«بنی آدم اعضای یکدیگرند — که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار — دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی — نشاید که نامت نهند آدمی»

محبت سرشار و بی‌پایان نسبت به همنوع و قلب پر اشتیاق برای راهنمایی گمراهان نشان مسیحی حقیقی است که با وفاداری در اثر اقدام استاد خود سلوک می‌کنند. چنین رفتاری در زندگانی غایت و دلیل ایمان صحیح است (اول یوحنا ۳: ۱۴، ۴: ۲۰و ۲۱).

د– احتیاج دنیا چهارمین چیزی است که ما را وادار به بشارت می‌نماید. نسل حاضر از اداره دنیا عاجز مانده، جنگها میلیون‌ها نفوس را از بین برده، در هر کشوری معدودی سرمایه‌دار و دولتمند وجود دارد، ولی در مقابل هزاران

مردم به نان شب محتاج هستند. احتیاج مزمن نه تنها در یک مملکت، بلکه در سرتاسر دنیا حکمفرما و این احتیاج منحصر به جسم نیست، بلکه کاملا مربوط به اخلاق و روحیات مردم نیز می‌باشد. علاج دردهای دنیا چیست؟ ما که مسیحی هستیم در جواب این سؤال بدون تأمل می‌گوییم که مسیح جواب و داروی درد دنیا و تنها علاج وضعیت ناگوار جاری است. خوب است فردا فرد به بدبختی‌های دنیا بنگریم و ببینیم که آیا چنانچه انسان بر طبق دستور مسیح رفتار کند این اشکالات مرتفع نمی‌گردد؟

گرچه مسیح مرتکب این اشتباه نشد که مسایل سیاسی و روحانی را با هم مخلوط نماید، با وجود این قانون محبت و برادری عموم بشر تنها فکر اساسی و مصلحی است که در دنیای امروزه جدا مردم را به سوی مخالفت با جنگ دعوت می‌نماید و شکی نیست که جنگ بزرگترین نقیصه سیاسی دنیای حاضر است. ملل عالم و حتی آنهایی که مسیحی خوانده می‌شوند هرگز سعی بلیغی برای تعمیم قانون محبت مسیح ننموده‌اند. قانون محبت به دشمنان و عدم مقاومت در مقابل بدی؛ یعنی گرفتن یک طرف صورت در مقابل کسی که سیلی بر طرف دیگر زده و دو میل رفتن با کسی که می‌خواهد یک میل با او موافقت کنیم، به قدری دور از رفتار فعلی ملل است که به کلی از نظر فراموش شده است. با همه اینها مسیح تنها کسی است که به جای زور و جنگ جواب دیگری به اختلاف نظر عالم می‌دهد. از قرار معلوم دنیا باید یکی از این دو را قبول کند؛ یعنی یا محبت مسیح یا جنگ و پیکار پایان‌ناپذیر را (متی ۵: ۴۴).

همچنین اگر مفاد قانون طلایی مسیح را به مورد اجرا گذاریم، مشکلات صنعتی و دردهای اجتماعی کاملا بهبودی می‌یابد. اگر کارفرمایان و صاحبان کارخانجات آنچه برای خود نمی‌پسندند به دیگران روا ندارند در این صورت عالم اجتماع به واسطه روح مسیح تولد تازه می‌یابد (متی ۷: ۱۲). مسیح اجرای پروگرام عظیم ملکوت خدا را به عهده دوازده نفری که خود معین فرموده بود محول کرد. مسیح کار خود را با افراد شروع نمود و از این رو احتیاج فردی؛ یعنی دعوت و هدایت اشخاص نجات نیافته باید عامل مهم و اساسی بشارت ما باشد. ما معتقدیم که فقط مسیح می‌تواند رفع احتیاج عظیم قلب انسانی را بنماید: فقط مسیح می‌تواند مردم را از گناه نجات بخشیده و آنان را مخلوقاتی تازه بنماید، وقتی مسیح قلوب ما را با اشتیاق برای رفع احتیاج انسان‌ها پر نماید و ما هم بتوانیم به توده مردم چون گوسفند بی‌شبانی نظر کنیم آن وقت خواهیم توانست با غیرتی، چون غیرت و حرارت خود خداوند برای دعوت مردم به سوی او اقدام و مردم را راهنمای دیگران نماییم تا با میل و اشتیاق رفته به زندگانی مسیحی و موعظه به نام عیسی بپردازند. تنها به وسیله هدایت فرد فرد مردم به سوی مسیح و تشویق آنان به تسلیم کامل می‌توانیم بهترین خدمت را به جامعه و ملت خود و اهل عالم بنماییم. وقتی در دل خود به شدت احساس نماییم که مردم محتاج مسیح هستند، با حرارت الهی مشتعل شده و خواهیم توانست دیگران را نیز به خاطر مسیح مشتعل سازیم.

ه– ما همکاران با خدا هستیم. این یک محرک دیگر برای انتشار کلام مسیح است (اول قرنتیان ۳: ۹و دوم قرنتیان ۶: ۱). چه محرکی بهتر و مقدس‌تر از این است که ما در چنین خدمتی شریک و همکار خود خدا باشیم! در حقیقت آنچه در خدمت خود موفقیت حاصل نماییم به واسطه قوه روح خداست که در ما و به واسطه ما کار می‌نماید. افکار و قلوب ما مجذوب این آگاهی و عقیده‌ای است که اراده خدا چنین است و کاری هم که انجام می‌دهیم کار خداست و در این کار به ما امتیاز مشارکت با خدا ارزانی شده است، ما که ساخته دست خالق جمیع موجوات هستیم تمام هستی خود را در پای قدم او گذارده و در خلقت تازه روحانی و دادن تولد تازه به اهل عالم با وی معاونت و همکاری می‌نماییم. به علاوه دانستن این مسأله که با خدا همکاریم ما را کمک به یافتن غلبه آخرین می‌نماید و در مواقع نومیدی و زحمت در کار ملکوت خدا پشتیبان و تقویت‌کننده ما خواهد بود. وقتی ما بدانیم قوای لایحصای الهی در این کار در دسترس ما می‌باشد، می‌توانیم به هر امر غیرممکن دست بزنیم. «هادسون تایلور» مبشر معروف مسیحی در چین گفته است: «در کار خدا سه مرحله است: اول انجامش غیرممکن و دوم دشوار به نظر می‌آید و سوم انجام یافته است.» وقتی ما کار کرده و طرح نقشه می‌نماییم خوب است به خاطر بسپاریم که همه کارهای ما و نتایج آن با آتش و حرارت آزموده خواهد شد (اول قرنتیان ۳: ۱۳). محققا اگر در این دنیا کاری باشد که ما بتوانیم انجام دهیم و از بوته امتحان طلای خالص بیرون آید، آن کار کاری است که در آن با خدا همکاری داریم. در امر بشارت به نام مسیح ما برای چیزهایی که قدر و قیمت جاودانی دارد کار می‌کنیم. آتش نمی‌تواند آسیبی به نتایج این کار برساند، آنچه در همکاری با خدا انجام دهیم جاودانی و پاینده است.

و– فرمان خداوند ما عیسای مسیح آخرین و شاید بزرگترین محرک ما به بشارت می‌باشد. این اولین محرک ما به بشارت نیست، بلکه آخرین است، بنابراین اولین قدم در زندگانی مسیحی نیست، بلکه آخرین است. خود مسیح هم ابتدا که مردم را به خدمت و پیروی خود خواند، این فرمان را به ایشان نداد، بلکه این وصیت آخرین و مهم او بود به شاگردانش. مسیح در مدت خدمت خود شاگردانش را دعوت و تربیت نمود. در آن ساعات بسیار مهم آخرین بعد از مرگش بر روی صلیب و قیامش بود که مسیح خداوند اهمیت بی‌پایانی درباره فرمان رفتن و بشارت دادن قائل گردید. در حقیقت می‌توان چهار مرحله را در فرمان مسیح به پیروانش مشهود دید:

۱- آمدن به نزد او (متی ۱۱: ۲۸– ۳۰).
۲- ساکن شدن در او (یوحنا ۱۵: ۴).
۳- پیروی او (متی ۱۶: ۲۴).
۴- موعظه و بشارت دادن به نام او (مرقس ۱۶: ۱۵).

حتی اگر ما به فرمان مسیح هم برای بشارت می‌رویم باید او را پیروی نماییم. هیچ وقت نمی‌توانیم خودسرانه به این کار مهم دست بزنیم، زیرا در این صورت قطعا شکست خواهیم یافت. همواره باید این فرمان مسیح را که می‌گوید: «مرا پیروی کنید» در مد نظر داشته باشیم. ما درست در پشت سر او برویم و نگذاریم که فاصله زیادی ما را از مسیح جدا سازد، زیرا وی به ما قبلا اخطار می‌نماید که راه خطرناک و پر از آزمایش‌های گوناگون است و چنانچه میل به فتح و ظفر داریم واجب است نزدیک او باشیم، اما باز باید دقت کنیم که از مسیح هم جلوتر نیفتیم. او همیشه پیشواست و ما راه را بلد نیستیم. سعی در جلو افتادن از اراده استاد و خداوند خود جسارت نفس و غرور است. ما نباید حتی سعی کنیم که شانه به شانه او راه برویم (اشعیا ۴۰: ۱۴)، بلکه باید همیشه حاضر باشیم که هر جا ما را می‌برد در عقب او برویم. روح‌القدس در تمام خدماتی که به فرمان خداوند خود می‌نماییم راهنما و مدیر ما می‌باشد.

مأموریت عظیم بشارت که مسیح آن همه در ساعات واپسین زندگانی جسمانی خود بدان اهمیت داده؛ یعنی در موقع ظهور بعد از قیامش، در هر چهار انجیل تکرار شده است. هر یک از اینها وضعیت و حالت متفاوتی از مأموریت عظیم بشارت و شهادت در نام مسیح می‌دهند. ما باید این کلمات را با دقت در چهار انجیل بخوانیم. این فرمایش مسیح در موارد ذیل پیدا می‌شود: یوحنا ۱۵: ۲۶ و ۲۷ و لوقا ۲۴: ۴۷– ۴۹ و مرقس ۱۶: ۱۵و متی ۲۸: ۱۸– ۲۰. به علاوه چهار انجیل در فصل اول اعمال رسولان نیز می‌خوانیم که مسیح این امر را از کارهای اساسی کلیسایی که باید به نام او موسوم شود نمود (اعمال رسولان ۱: ۸). وقتی مسیح با آواز دلکش خود ما را به اجرای فرمان واپسین خود دعوت می‌کند، باید به وی گوش داده و سپس گوییم: «خداوندا، لبیک، مرا بفرست.» آن وقت قلوب ما با روح‌القدس و قوت الهی پر شده و در کلیسای این کشور یک نهضت روحانی تازه پدیدار شده و ما را وادار خواهد نمود که خدمت بشارت در زندگانی ما بزرگترین مقام را حائز گردد. در حقیقت ما به قدری از غیرت و حرارت روح‌القدس پر خواهیم شد که مانند مبشر عظیم کلیسای اولیه فریاد خواهیم زد: «وای بر من اگر بشارت ندهم» (اول قرنتیان ۹: ۱۶).

فصل دوم: منابع بشارت

برای اینکه نشان دهیم منابع بشارت از کتاب مقدس اخذ می‌شود، تشبیهات زیادی می‌توان به کار برد. مثلا می‌توان کلام خدا را سرچشمه‌ای دانست که آب گوارای زنده حیات‌بخشی از آن روان است و ما می‌توانیم آن را به دنیای تشنه کام ببخشیم، یا اینکه کتاب مقدس را چون معدن بسیار بزرگی پنداشت که هیچگاه نتوان ذخایر مکنونه آن را به اتمام رساند. البته معلوم است که هر کسب و پیشه‌ای آلات و افزاری مخصوص دارد که برای آن کار لازم و مورد احتیاج پیشه‌وران و صاحبان آن حرفه است، اما درمورد بشارت چقدر باید خدا را شکر کنیم که وسایل کامل به ما بخشیده و آنها را در میان اوراق کتاب مقدس می‌توان یافت. آری این کتاب در حقیقت یک مجلد است و یک موضوع مهم را بحث می‌نماید که نجات باشد و مکاشفه و ظهور خدا در آن کامل می‌شود. کتاب مقدس از هر جهت شایسته نام «کلام خدا» است، زیرا از آغاز تا انجام کلمات خدا در آن مندرج است و مخصوصا در این کتاب خدا را در «کلمه مجسم» که خداوند ما عیسای مسیح می‌باشد، ظاهر می‌بینیم. در این کتاب ما او را با تمام جمال و زیبایی‌اش ملاحظه می‌کنیم و این مرکز و روح یعنی منبع پیام بشارت ما می‌باشد.

اما کتاب مقدس تنها یک مجلد نیست، بلکه کتابخانه‌ای است که دارای قریب ۶۶ کتاب و پادشاهان و انبیا از یک طرف و از طرف دیگر شبانان و ماهیگیران آن را به رشته تحریر درآورده‌اند. این مکاشفه در طی چندین قرن ادامه داشته و نویسندگانش از کلیه طبقات اجتماعی بوده‌اند. هر یک کلام خدا را بر وفق سبک و محیط مخصوص خویش نگاشته و در عین حال به واسطه روح‌القدس نادیده هدایت و راهنمایی شده‌اند. اکنون چون شروع به تفکر در این منبع عجیب بشارت می‌نماییم، خوب است آیات ذیل را پیش خود خوانده و عمیقا در اطراف هر یک از بیانات آن راجع به فواید کتاب مقدس تفکر کنیم و ببینیم آنها درمورد بشارت چگونه وارد می‌آید (دوم تیموتاؤوس ۳: ۱۶و ۱۷).

۱- اصول کلی برای به کار بردن کتاب مقدس در بشارت

الف– عقاید ما نسبت به دلایل عقلی و نقلی: در ابتدای مذاکراتی که برای بشارت دادن به نام مسیح با پیروان ادیان دیگر می‌نماییم، گاهی از ما سؤال می‌شود که آیا دلایل عقلی را مدرک قرار می‌دهیم یا دلایل نقلی را. در جواب گوییم امیدواریم پیام ما در عقل انسان مؤثر واقع گردد، اما نظر ما در شناساندن مسیح به مردم این نیست که فقط فکرا موافق وی باشند، بلکه می‌خواهیم اراده و قلب خود را به وی تسلیم نمایند تا یک قوه تازه‌ای برای حیات بیابند. به علاوه عقل بشر غالبا از مه غلیظ گناه و نادانی احاطه شده به قسمی که نمی‌توان آن را راهنمای کاملی دانست. پس باید بیشتر اهمیت به دلایل نقلی دهیم، زیرا در کتاب مقدس ما مدعی مکاشفه‌ای هستیم که مافوق جمیع معرفت و حکمت انسانی است. در اینجا ما حجت خود را کاملا بر مسیح و زندگانی و اعمال و تعلیمات و قوت او متکی می‌نماییم. او را که دارای قوت کامل می‌باشد نهایت و غایت مکاشفه الهی می‌دانیم. بنابراین چون ما کلام خدا را که راهنمای کامل است در دست داریم، باید حقایق عالیه خود را فقط آن حقایقی بدانیم که نقلی یعنی مکتوب و مندرج است و این نقل را کسی غیر از خود خدا در کلام خود و مخصوصا در شخصیت مسیح و اعمال و گفتارش ظاهر نساخته است.

ب– مطالعه کتاب مقدس: محقق است اگر هر فرد مسیحی بخواهد فرمان خداوند و استاد خود را اطاعت نموده و شاهد مسیح باشد، باید در مطالعه کلام خدا دقیق و متوجه باشد. این نکته مهم را باید در خاطر داشت که چون روح‌القدس نویسنده واقعی کتاب مقدس است از این رو او بهتر از هر چیز می‌تواند ما را هدایت به دریافت فیض و درک اسرار و حقایق عظیم روحانی آن بنماید. پس ما نباید هیچگاه به کتاب مقدس نزدیک شویم مگر اینکه قبلا به وسیله دعا هدایت روح‌القدس را طلب نماییم. نه تنها روح‌القدس همیشه بهترین آموزگار ما می‌باشد، بلکه مسیحیان دیگری که دارای تجربه و قوت روحانی می‌باشند ممکن است کمک خیلی مؤثری در مطالعه کتاب مقدس به ما نموده و به واسطه دروس کلاس و به وسیله کتبی که نگاشته‌اند ما را مساعدت نمایند. پس روح‌القدس به دو طریق با ما صحبت خواهد داشت: اول در حین مطالعه انفرادی کلام خدا و تفکر و دعا در تنهایی و دوم به وسیله نوشته‌ها و تعلیمات سایر مسیحیان.

ج– توضیح و تشریح کلام خدا: مبشرین بزرگ شهادت می‌دهند که تغییر حال افراد و ازدیاد قوه روحانی کلیسا به واسطه معرفت و دانش یا قوت فصاحت مبشرین نبوده، بلکه فقط نتیجه توضیح کامل و ساده آیات و عقاید کتاب مقدس می‌باشد. پیشوای یک تغییر روحانی عظیم در چین می‌گوید: «در هر یک از مجالس وعظ خود آیه‌ای از کتاب مقدس انتخاب و با دعا و کمک روح‌القدس سعی نمودم که به ساده‌ترین بیانی آن را توضیح و تشریح نمایم.» بسا اوقات اشخاصی با سؤالات راجع به کتاب مقدس یا بیان یک آیه یا عبارتی به نزد ما می‌آیند. ما باید با نهایت محبت کتاب مقدس را برای آنها به طریقی تشریح نماییم که به حقیقت آن برسند.

د– تکامل تدریجی مکاشفه: باید در نظر داشته باشیم که مکاشفه خدا در کتاب مقدس و بر نژاد انسان تدریجی بوده است. مکاشفه خدا در آغاز چون نور شمعی بوده که به تدریج روشن‌تر شده تا چون چراغی گردیده است (مزمور ۱۱۹: ۱۰۵). به وسیله مزامیر و صحف انبیا این نور رو به افزایش گذارده تا اینکه می‌توان آن را به نور چراغ الکتریک تشبیه کرد. سپس در آخرین فصل عهد عتیق پیشگویی راجع به «خورشید عدالت» شده است. این خورشید در عیسای مسیح طالع شد و چون فروغ روز روشن گردیده همه تاریکی دنیا را پراکنده ساخت (یوحنا ۸: ۱۲).

۲- اهمیت عهد عتیق در بشارت

البته کتاب عهد جدید مهم‌ترین راهنمای حقیقت است و آشنایی اغلب مسیحیان با کتاب عهد جدید بیشتر از عهد عتیق است، اما کتاب عهد عتیق هم دارای اهمیت بسیاری است و غالبا ما باید از کتاب عهد عتیق شروع نموده موضوع را به کتاب عهد جدید ختم نماییم. پس ما در تشریح مطلب ذیل اهمیت زیادی به عهد عتیق داده ابتدا از آن شروع می‌کنیم:

الف– چون ما کتاب عهد عتیق و جدید هر دو را کلام خدا می‌شماریم، از این رو غالبا اهل ادیان دیگر از ما سؤال می‌کنند که چرا همه قوانین و شرایع عهد عتیق را قبول نداریم و بر طبق احکامش رفتار نمی‌کنیم. در جواب آنها لازم است انجیل متی فصل ۵ آیه ۱۷ را خوانده و برای آنها توضیح دهیم که چگونه مسیح شریعت را تکمیل کرده و به ما نیز روح شریعت را بخشیده و ما را از قید الفاظ آن آزاد نموده است (کولسیان ۲: ۱۴). همچنین باید برای آنها بیان نماییم که شریعت موسی به چهار قسمت منقسم می‌گردد: ۱- رسوم مذهبی ۲- اجتماعی ۳- سیاسی ۴- اخلاقی. سه قانون اول مخصوص قوم یهود و از این رو موقتی بوده است. مبنای قسمت چهارم؛ یعنی قوانین اخلاقی بر طبیعت و صفات خود خدا می‌باشد و از این رو تغییرناپذیر و جاودانی است. مسیح قانون اصلی اخلاقی را کاملا در تعلیمات خود به طوری که در عهد جدید مندرج می‌باشد آورده است.

ب– مسیح در استعارات عهد عتیق: برای اینکه معلوم شود چگونه در موقع دادن بشارت استعارات عهد عتیق را می‌توان مورد استفاده قرار داد، باید خیمه‌ای را که در حین سفر قوم یهود در بیابان به کار می‌رفت، محض نمونه به خاطر بیاوریم. خیمه مذکور دارای اثاثیه مختلف بوده که هر یک در عبادت مقرره محل و موقع مخصوصی داشته است. اکنون هر یک از آنها را به ترتیب مورد مطالعه قرار داده ببینیم اولا چه حقیقتی راجع به مسیح قبلا بر سبیل استعاره گفته شده و ثانیا در اینجا چه درسی برای مسیحیان موجود است. در این موقع سفر خروج فصل ۲۵ الی فصل ۲۷ و عبرانیان فصل ۹ را مطالعه کنید.

۱– مذبح برنجی– (خروج ۲۷: ۱– ۸) این مذبح برای قربانی‌های سوختنی در جلو مدخل خیمه در صحن خارجی گذارده می‌شد و مذبح با قربانی‌هایش علامت و استعاره قربانی کامل یعنی مسیح برای گناهان بوده است و برای مسیحیان مبین این معنی است که بدون کفاره گناهان برای ایشان غیرممکن است در عبادت به حضور خدای قدوس نزدیک گردند.

۲– حوض برنجی– (خروج ۳۰: ۱۸) حوض مذکور با آب خالص پر می‌شد و این تعلیم می‌دهد که مسیح نه تنها ما را به وسیله قربانی خون خود پاک می‌نماید، بلکه روز به روز هم ما را شسته و زندگی‌مان را طاهر می‌سازد (اول یوحنا ۵: ۶). پس از اینکه مسیح ما را از جمیع لکه‌ها و آثار گناه پاک نماید، حاضر است به ما آب ببخشد تا ما را طاهر و قلب و روحمان را پاک نماید. این قسمت برای ایمانداران به مسیح درسی است که اگر بخواهیم به حضور خدای قدوس برسیم باید هر روزه از کثافات و غبار این دنیا پاک شویم. تعمید علامت و نشان شستشوی ما از گناه است و اگر

پیوسته به خدمت خدا مشغول باشیم و به خانه او داخل شویم باید با زندگی پاک و طاهر به نزد او برویم.

۳- نان تقدمه- (خروج ۲۵: ۲۳- ۳۰) نان نشانه برکات خداست و بزرگترین برکتی که تاکنون خدا به بشر بخشیده مسیح فرزند یگانه و ارجمند اوست. مسیح آن نان روحانی است که برای تمام عالم غذای حقیقی می‌باشد (یوحنا ۶: ۳۵). همچنین نان در نظر عبرانیان کنایه از خدمت بود، پس خوان نان تقدمه به یاد مسیحی ایماندار می‌آورد که او باید مسیح را خدمت نماید. هر روزه در مقابل ما چندین راه خدمت باز است، اما شاید بهترین و مقدس‌ترین خدمتی که می‌توان بدان پرداخت، انتشار انجیل مسیح می‌باشد.

۴- چراغدان طلا- (خروج ۲۵: ۲۱- ۴۰) مسیح فرموده است: «من نور عالم هستم» (یوحنا ۸: ۱۲). مسیح درباره پیروان خود نیز فرموده است: «شما نور عالمید» (متی ۵: ۱۴). ما نیز چون چراغدان طلای خیمه باید همیشه تابان بوده و کم نور و ضعیف نباشیم و نیز چراغ زندگانی ما دود نکند و در نتیجه خاموش نگردد. منظور عظیم از تابش ما باید این باشد که به دیگران طریق رفتن به حضور خدا را نشان دهیم.

۵- مذبح بخور- (خروج ۳۰- ۱- ۱۰) بخور در عهد عتیق و جدید کنایه از دعا می‌باشد. راجع به مسیح باید به خاطر ما بیاورد که او شفیع عظیم همیشگی ما در حضور تخت فیض می‌باشد و واسطه بزرگ عهد جدید است و به وسیله او نزدیک به خدا می‌شویم. این علامت می‌رساند که هر شخص مسیحی در دعا قوت دارد و نیز اهمیت دعا را پیش ما مجسم نموده تا به ما بفهماند که چگونه می‌توانیم در حق دیگران دعا کرده و درخواست نماییم ملکوت مسیح عالمگیر گردد.

۶- قدس‌الاقداس- (خروج ۲۶: ۳۳) در اینجا تابوت عهد و تخت رحمت در میان کروبیان و علامت حضور خدا می‌باشد. تمام مراسم و ترتیبات خیمه برای این بود که شخص گناهکار نمی‌توانست به خدای قدوس نزدیک شود جز از طریقی که تعیین شده؛ یعنی به وسیله قربانی و کفاره گناه. مسیح به واسطه فدیه جان خود راه تازه‌ای برای ما به حضور خدا باز نموده است (عبرانیان ۱۰: ۱۹و ۲۰). مقدس‌ترین و مهم‌ترین امر در زندگانی برای شخص مسییح این است که ارتباط کاملی با خدای قادر و توانا به وسیله عیسای مسیح حاصل کند. برای همین منظور خدا به طریق فوق یعنی به وسیله مسیح سببی برانگیخت که بدان وسیله ما می‌توانیم با عالم روح ارتباط داشته باشیم؛ یعنی ما می‌توانیم در حیات فانی خود خدای غیرفانی را یافته به او نزدیک شویم به وسیله مسیح که راه حقیقت برای نزدیک شدن ما به قدس‌الاقداس.

ج- مسیح در پیشگویی عهد عتیق: سلسله پیشگویی‌هایی راجع به مسیح در تمام عهد عتیق موجود است، ولی ما فقط به ذکر معدودی از آنها که برای هدایت مردم به سوی مسیح مفید است اکتفا می‌کنیم. وقتی مردم بفهمند که از ابتدای پیدایش نوع بشر در طی ادوار تاریخی قبل از ظهور مسیح، انبیای مقدسه پیشگویی‌هایی راجع به عیسی و آمدن او کرده‌اند و این کلمات در نوشته‌های مقدسه یهود ضبط است، این خود وسیله‌ای است که به کمک روح‌القدس هدایت یافته و خداوند مسیح را قبول نمایند. به علاوه خود مسیح امر کرده که ما کتب عهد عتیق را جستجو نموده و این پیشگویی‌ها را پیدا نماییم و شک نیست که در این امر ما را هدایت می‌نماید و برکت می‌دهد مخصوصا برای هدایت دیگران به طریق حیات (لوقا ۲۴: ۴۴و یوحنا ۵: ۳۸).

پس در اینجا فقط چند پیشگویی عمده راجع به مسیح از عهد عتیق نقل می‌نماییم:
۱- ذریه زن (پیدایش ۳: ۱۵).
۲- عهد با ابراهیم (پیدایش ۱۷: ۷، ۲۲: ۱۸).
۳- شیلوه (پیدایش ۴۹: ۱۰). سلطنت‌های بزرگی که در صفحه تاریخ آمده و از میان رفته‌اند در نظر آورده و ملاحظه کنید که پس از آنکه یازده قبیله بنی‌اسرائیل متفرق گردیدند سلطنت سبت یهودا و هیأت روحانیون و مشایخش تا زمان آمدن مسیح باقی ماندند، اما پس از آمدن او ملیت از یهودا هم کاملا سلب گردید و تاکنون هیچگاه مجمع مشایخی نداشته‌اند.
۴- پسر تدهین شده (مزمور ۲).
۵- فرزند باکره (اشعیا ۷: ۱۴).

۶- القاب مسیح (اشعیا ۹: ۶و ۷).
۷- کفاره گناه به وسیله مسیح رنج دیده (اشعیا فصل ۵۳).
۸- پادشاه ابدی (دانیال ۷: ۱۴).
۹- تولد در بیت لحم (میکاه ۵: ۲).
۱۰- پادشاه فروتن (زکریا ۹: ۹).
۱۱- آخرین انبیا (زکریا فصل ۱۳).
۱۲-طلوع خورشید عدالت (ملاکی ۴: ۲).

تعجبی نیست اگر بعضی مطالب مشکل در آیات فوق ملاحظه گردد، زیرا پیشگوییهای انبیا غالبا دارای دو منظور است، اولا ذکر وقایع جاریه همان عصر، ثانیا اشاره به واقعه آینده و به علاوه این کلمات چندین قرن پیش نوشته شده است. محصلی که اندک تجربهای داشته باشد در موقع اشکال باید به مسیحیانی که با عهد عتیق و پیشگوییهایش آشنا هستند مراجعه نماید. البته در این مورد بسیار مهم است که کسانی که میخواهند پیشگوییها را برای دیگران وسیله هدایت قرار دهند قبلا خودشان آن را درک کنند.

۳- وحدانیت خدا وسیله هدایت است
دین موسی و مسیحیت اساسشان بر وحدانیت خدا گذارده شده است. پس این وسیله بسیار خوبی است برای مسیحیانی که از این راه با یهودیان و معتقدین سایر مذاهب مذاکره نموده و آنان را دعوت به تحقیق دعاوی مسیح نمایند. در این موضوع میتوان آیات زیادی از کتب مقدسه استشهاد نمود و ذیلا آیات چندی ذکر میشود:
۱- عهد عتیق و جدید هر دو وحدانیت خدا را تعلیم میدهند (تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹، ۶: ۴و مرقس ۱۲: ۲۹).
۲- تنها اقرار به وحدانیت خدا کافی نیست و سبب نجات شخص نمیگردد. اگر به رساله یعقوب مراجعه شود معلوم میگردد که شیاطین هم به وحدانیت خدا قائلند و میلرزند و در جهنم میمانند (یعقوب ۲: ۱۹).
۳- ما گناهکاران محتاج راهی هستیم که بدان وسیله به خدا تقرب جسته بخشایش او را به دست آوریم (اول تیموتاؤوس ۲: ۵).
۴- اکنون آیهای را که میتوان «کلمه شهادت مسیحیان» خواند مورد آزمایش قرار میدهیم. در این آیه نه تنها وحدانیت خدا و اقرار به مسیح را میخوانیم، بلکه نتیجه اینها؛ یعنی نجات و حیات جاودانی را نیز پیدا میکنیم (یوحنا ۱۷: ۳).

۴- اهمیت احساس گناه
پی بردن به گناه و تشخیص آن بینهایت مهم است، زیرا تا وقتی از معنی گناه آگاهی نیافته و تقصیرات خویش را نفهمیدهایم، احتیاج به نجاتدهنده را احساس نخواهیم نمود. چنانچه با دقت این موضوع را مطالعه نموده کتاب مقدس را در پیش خود گذارده و روحالقدس را هادی قرار دهیم، هر یک از ما به معنی و قوت عجیب گناه پی میبریم. یک نفر از دوستان جوان نویسنده که به نزد مسیح هدایت شده بود میگفت: «بزرگترین مانع پیشرفت مسیحیت در این است که مردم اصلا معنی گناه را نمیدانند و از عواقب وخیم آن بیخبرند.»

۱- مزد گناه موت است (حزقیال ۱۸: ۴). ۲- عواقب وخیم گناه (متی ۵: ۲۹ و ۳۰). ۳- قصور در ایمان به مسیح گناه است (یوحنا ۳: ۱۸). ۴- نه تنها فعل گناه حرام، بلکه فکر شریرانه نیز گناه است (متی ۵: ۲۱ و ۲۲ و ۲۷ و ۲۸). ۵- وقتی دانسته از اقدام به نیکی قصور ورزیم گناه نمودهایم (یعقوب ۴: ۱۷). ۶- خلاصه هر چه از روی ایمان نباشد گناه است (رومیان ۱۴: ۲۳). ما نه تنها موظف هستیم که مردم را بر گناهشان واقف و آگاه سازیم، بلکه باید راه خلاصی از عواقب وخیم آن را به آنان نشان دهیم (رومیان ۶: ۲۳ و عبرانیان ۷: ۲۵).

۵- مسیح آخرین مکاشفه است
ما مسیح را به مراتب بالاتر از جمیع انبیا میدانیم. ذیلا چند آیه از کتاب مقدس نقل میشود تا موقع لزوم مقام شامخ مسیح را چون آخرین مکاشفه کامل خدا نشان دهیم و نیز ممکن است هر شخص مسیحی از تجربه شخصی خود به این آیات بیفزاید:

۱- رؤیای دانیال از ملکوت روحانی و جاودانی (دانیال ۲: ۴۴، ۷: ۱۴، ۹: ۲۴).
۲- پس از مسیح مکاشفه دیگری واقع نشده است (زکریا فصل ۱۳). شخصی مسیحی به نویسنده می‌گفت که این قسمت مستقیما سبب هدایت او به نزد مسیح شده است.
۳- رشته مسلل دلایل عهد جدید ثابت می‌کند که مسیح آخرین مکاشفه خدا می‌باشد (متی ۲۴: ۲۳- ۲۷ و مرقس ۱۳: ۳۱ و یوحنا ۱۴: ۶ و اول قرنتیان ۳: ۱۱و غلاطیان ۱: ۸ و کولسیان ۲: ۹ و عبرانیان ۱: ۱- ۳، ۷: ۲۵، ۹: ۲۶، ۱۳: ۸ و اول پطرس ۱: ۲۰).

۶- عهد جدید کتاب کامل بشارت است
۷- بالاخره می‌توان گفت عهد جدیدی که خدا در دست ما گذارده کتاب کاملی است برای کار بزرگ بشارت. اکنون به تقسیمات مختلف این کتاب مراجعه نموده ببینیم چگونه برای چنین کاری کاملا مناسب است:
۱- چهار انجیل. در این کتب مسیح موضوع اصلی پیام ما می‌باشد.
۲- اعمال رسولان یا انجیلی که در عالم مشغول کار است.
۳- رسالات یا پند و موعظه برای مسیحیان تازه و کلیساهای جدیدالتأسیس
۴- کتاب مکاشفه. نتیجه کلی امر بشارت؛ یعنی کلیسا و ملکوت جاودانی مسیح است. در این کتب و رسائل منابع لازم بشارت یافت می‌شود و به منزله چشمه‌های عظیمی هستند که ما می‌توانیم آب حیات را از آنها گرفته به جان‌های تشنه ببخشیم. پس لازم است این کتاب را همیشه در دست داشته باشیم، زیرا جواب کامل هر گونه احتیاج قلبی را دارا می‌باشد و لازم است در به کار بردن آن کسب مهارت نموده و آن را برای نجات جاودانی جان‌های گرانبهای مردم به کار برد.

فصل سوم: مژده بشارت

پولس رسول با کلمات ذیل فصل دوم رساله اول قرنتیان را ختم می‌نماید: «ما فکر مسیح را داریم.» این کلمات از برجسته‌ترین مندرجات عهد جدید است. مسیح خود مبشر بزرگ بوده و اگر به طوری که رسول می‌گوید، دارای فکر مسیح باشیم، مژده بشارت از آن ما و در دست ما می‌باشد. فکر مسیح غیر از مژده بشارت چیز دیگری هم به ما می‌بخشد؛ یعنی محبت عظیم مسیح را و به ما می‌آموزد که در کجا و چه وقت مژده بشارت را باید داد و در هر موقعی چگونه باید بحث نمود. زمانی نویسنده در مراغه در مجلس فرقه‌ای از اهل صوفیه درآمد و ملاحظه نمود که پیشوای آن جماعت به هر یک از اعضای مجلس وردی تعلیم می‌دهد که مرید باید آن را پی در پی تکرار نماید تا فکرش به کلی مغلوب و مجذوب آن عقیده گردد. غالبا مرید به قدری این ذکر را تکرار می‌کرد که از حال طبیعی خارج و تقریبا مدهوش می‌گردید. ما مسیحیان نیز باید گفته پولس رسول را پیوسته بگوییم: «ما فکر مسیح را داریم»، اما نه برای اینکه همچون آنان مجذوب گردیم، بلکه به این نظر که این فکر مالک جان ما گردد. اگر کسی پیام و مژده حیات را در یک کلمه از ما بخواهد در جواب کلمه «مسیح را ذکر می‌نماییم، زیرا مسیح آغاز و انجام و علامت ظاهری و باطنی مژده ما می‌باشد. دیگران مژده و پیام خدا را به دنیا آورده‌اند، ولی مسیح خود مژده و پیام خدا می‌باشد. ما در مسیح کلمه حیات داریم. از این رو مسیحیان سرودی که مضمونش این است می‌سرایند: «مسیح حیات و مسیح است نورم.»

ما در مسیح دارای همه چیز می‌باشیم. فیلیپیان ۴: ۱۹و دوم قرنتیان ۵: ۱۷، ۹: ۸ و عبرانیان ۷: ۲۵ را با دقت مطالعه نمایید. از جمله وسایل بشارت این است که از مردم بپرسیم آنها از دین خود چه انتظاری دارند و می‌خواهند دینشان برای آنها چه بکند و چه نتیجه‌ای می‌خواهند از عقیده و ایمان خود بگیرند. اگر آنها با تفکر و تعمق به این سؤال جواب دهند، ما باید به آنها خاطرنشان نماییم که در مسیح و به وسیله قوت او در حیات می‌توان به تمام این امیدهای روحی رسید. وی مژده اصلی ما می‌باشد و همین مژده برای رفع احتیاج هر قلب انسان کفایت می‌نماید. در ضمن تمام عطایای عظیم و کاملی که در مسیح هست ذیلا قسمتی از مهم‌ترین آنها که درمورد مژده بشارت بی‌اندازه لازم است، ذکر می‌نماییم:

۱- مسیح دستور کامل حیات است. اگر یکی از معلمین بزرگ دنیا دستورات و قوانینی صحیح و خوب برای پیروان خود تنظیم و تدوین نماید که برای قوم و زمان خویش مفید باشد، البته وی را پیشوایی بزرگ و دانایی سترک می‌نامند، ولی با وجود تعلیمات نیکو و عقل رزینش دچار خطا و اشتباه می‌گردد، اما تعالیم مسیح دستور کامل حیات و رفتار می‌باشد. نه تنها سرمشق قوم و مردم زمان خویش بوده، بلکه برای کلیه اقوام و ملل در هر زمانی بوده و خواهد بود! این اساس و مبنای اخلاق به مراتب بهتر و مافوق معرفت و دانش انسانی می‌باشد. در عرض تقریبا دو هزار سالی که مسیح این قوانین و دستورات را به دنیا داده همواره مردم سعی کرده‌اند قوانین اخلاقی تازه‌ای آورده و این اصول ساده مسیح را تغییر دهند، اما همه این مساعی منتج به بدبختی و تیره روزی شده است. پس حقا از تجربیات قرون ماضیه می‌توان چنین نتیجه گرفت که تنها مسیح قانون تغییرناپذیر و جاودانی اخلاق و حیات را به ما داده است. «کلامی را که من به شما می‌گویم روح و حیات است» (یوحنا ۶: ۶۳). «آسمان و زمین زایل می‌شود، اما کلام من هرگز زایل نخواهد شد» (مرقس ۱۳: ۳۱).

وقتی کشتی حرکت می‌کند لازم است از روی نقشه هر صخره یا محل کم عمقی را که در دریا هست معلوم کرد. اگر صخره‌ای مکانش روی نقشه مشخص نباشد، کشتی در خطر تصادم با آن صخره و شکستن است و همه اهل آن در خطر مرگ و غرق می‌باشند. به همین طریق ما باید در سفر زندگانی یک نقشه کاملی در نظر داشته باشیم تا از خطراتی که ممکن است باعث خرابی اخلاقی و روحانی ما گردد، برکنار باشیم. هر مجموعه قانون مذهبی یا مدنی که تاکنون به دنیا آمده گرچه در زمان خود و در مواردی که وضع شده کافی و خوب بوده، بعدها از حیز انتفاع افتاده و لازم آمده که یا تغییر یابد و یا اینکه به کلی متروک ماند. چنین مجموعه‌های قوانین نتوانسته هیچگاه تمام صخره‌های دریای پهناور زندگانی را در نظر گرفته و نمایان سازد. اکنون برای ما به آسانی ممکن است که برتری قانون مسیح را بر سایر قوانین ملاحظه نماییم، زیرا که قانون مسیح ظاهری و یا مربوط به آداب و تشریفات مذهبی نیست، بلکه باطنی

و روحانی و تغییرناپذیر است. قانون یا رسوم ظاهری مذهبی مردم را در زنجیر تکلف مقید می‌سازد. فرضا چنانچه مردم بتوانند قوانین را هم کاملا مجری و معمول دارند، باز بسته و مقید آن هستند و هرگز نمی‌توانند از آن تخلف نمایند و از حدود آن قدم فراتر گذارند. مسیح ما را با مجموعه قوانینی مقید نساخت، بلکه فقط برای ما اصول پاینده حقیقت و اخلاق که بر سیرت خود خدا مبتنی است آورد. وقتی پایه اعمال و رفتار ما بر این اصول قرار گیرد، همواره با موفقیت کامل به سوی هدف بزرگ اخلاق پیشرفت خواهیم نمود. مسیح می‌فرماید: «پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است» (متی ۵: ۴۸). ممکن است زمان و طرز زندگانی تغییر یابد، اما مژده ما چون خود خدا تغییرناپذیر می‌باشد. در وحله اول باید شکرگزار باشیم که چنین قانون جاودانی و کاملی برای حیات داریم و سپس باید به کمک خدا تصمیم بگیریم که برای دعوت و هدایت مردم به این قانون بیشتر کوشش نماییم. در این خدمت بزرگ و متبارک نه فقط باید قانون کامل مسیح را موعظه کنیم، بلکه در آن زندگی نماییم.

۲- مسیح سرمشق کامل ما می‌باشد. از بدو خلقت دنیا تاکنون هیچ انسان کاملی در صحنه عالم انسانیت قدم نگذارد، جز یک نفر؛ یعنی عیسای مسیح. فقط وی نمونه و سرمشق کامل ما می‌باشد. اطفال کوچک می‌توانند به وی نگریسته و رؤیایی که آنها را به حیات شریف‌تری راهنمایی می‌نماید، ببینند. زنان در مسیح یک سرمشق کاملی برای کلیه ایده‌آل‌های بلندی که دارند پیدا می‌کنند. مردان نیرومند در خداوند و استاد ما یک نمونه جرأت و قوت می‌بینند که باید همیشه بدان نگریسته و کوشش در کسب آن نمایند. مسیح برای توانا و ناتوان، دارا و پریشان، کوچک و بزرگ تنها نمونه کامل و تجسم ایده‌آل مطلق انسانیت است. در شاهراه حیات با این مطلب مواجه می‌شویم که گاهی اراده ما بر وفق اراده خداست و گاهی هم کاملا برخلاف اراده او می‌باشد. ممکن است در همان وقت به این مطلب پی نبریم و بعدها ملتفت آن شویم. فقط مسیح در میان کلیه اشخاصی که در طریق انسانیت سالک بوده‌اند اراده‌ای داشته که همیشه کاملا بر وفق اراده خدا بوده است. پس وی لایق این است که در هر موقع سرمشق و نمونه ما باشد.

پولس رسول فریاد زده به غلاطیان می‌گوید: «پیش چشمان شما عیسای مسیح مصلوب شده مبین گردید» (غلاطیان ۳: ۱). مسیح مصلوب در جلو ایشان مانند اعلانی در بازار نصب شده بود. ما نیز اگر مسیح مصلوب را جلو نظر خود داشته و به دیگران نشان دهیم بهترین عمل را انجام داده‌ایم، زیرا خدا هنوز منظره‌ای بهتر از او نصیب دیده‌گان انسانی ننموده است و چون او را در جلو نظر داریم خوب است بیشتر بکوشیم تا همواره خود را تقدیس نموده و هر چه بیشتر مانند سرمشق بزرگ و کامل خود شویم. دلیل کافی برای سرمشق بودن مسیح همانا بی‌گناهی اوست. گرچه بعضی دعوی می‌نمایند که مؤسسین ادیان بزرگ بی‌گناه هستند، باز باید به خاطر بیاوریم که بی‌گناهی مسیح یکی از حقایق مسلمی است که در عهد جدید به وضوح بیان گردیده و حتی در عهد عتیق هم پیشگویی آن شده است (اشعیا فصل ۵۳). مسیح دشمنان خود را دعوت نمود که او را به گناه ملزم سازند (یوحنا ۸: ۴۶ و دوم قرنتیان ۵: ۲۱ و عبرانیان ۴: ۱۵و اول پطرس ۲: ۲۱ و ۲۲ و اول یوحنا ۳: ۵ را نیز ملاحظه کنید).

۳- کفاره گناه. سومین نکته بزرگی که ما باید در پیام بشارت خود متذکر شویم این است که فقط در مسیح کفاره گناهان یافت می‌شود. کار بزرگ دین این است که مردم را به گناه محکوم نماید و وقتی ما بفهمیم که گناهکاریم آن وقت مهم‌ترین موضوع زندگانی ما این خواهد بود که چگونه آن گناه را بپوشانیم تا بتوانیم در حضور خدای مقدس و عادل بایستیم. پس علاج گناه را چگونه به دست خواهیم آورد؟ شاید ما گناه خود را درک نمی‌کنیم، ولی این مسأله ثابت نمی‌نماید که بی‌گناه می‌باشیم. برعکس می‌رساند که حس تمیز اخلاقی ما تیز و حساس نیست و دیده روحانی ما تار و نابیناست. در تمام دنیا فقط یک قوت حقیقی و کافی وجود دارد که می‌تواند ما را از احساس گناه آزاد گرداند و آن قربانی عیسای مسیح است.

وقتی ما با خون مسیح پاک شویم می‌توانیم در حضور مقدس خدای توانا بایستیم. لباس‌های ما پاره و کثیف است و به قدری با گناه لکه‌دار می‌باشد که هرگز نمی‌توانیم با آنها در حضور پادشاه جلال حاضر شویم. مسیح به جای آن جامه‌ها پوشش سفید خود را به ما می‌بخشد و با این لباس‌ها می‌توانیم در حضور پدر بایستیم. مسیح حق بخشیدن این جامه را به ما دارد، زیرا وی به جای ما خونبهای گناه را پرداخته است. وی به خاطر ما مرد، چون مزد گناه موت است. وقتی در مقابل صلیب مسیح می‌ایستیم، بار گناه از شانه ما میفتد چنانکه در داستان «سیاحت مسیحی» مسطور است. هیچ عامل دیگری نمی‌تواند لکه و سیاهی مهیب گناه را از قلب‌های ما پاک کند مگر خون مسیح. اهمیت صلیب را از فکر پولس می‌توان درک نمود، زیرا وی در اول قرنتیان ۲: ۲ می‌گوید: «زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم

جز عیسای مسیح و او را مصلوب.» در چنین موضوع مهمی باید با کلام عهد جدید مشورت نمود:

۱- کفاره گناه. لاویان ۱۷: ۱۱و عبرانیان ۹: ۲۲ و ۲۸ و یوحنا ۱: ۲۹ و دوم قرنتیان ۵: ۲۱ و اول یوحنا ۲: ۲.

۲- شفاعت گناهکاران. اشعیا ۵۳: ۱۲و رومیان ۸: ۳۴ و عبرانیان ۷: ۲۵ و اول یوحنا ۲: ۱. شافع کامل باید هم دارای جنبه انسانی و هم دارای جنبه الهی باشد. در این خصوص کتاب «راه زندگانی» تألیف دکتر فندر آلمانی را مطالعه فرمایید.

۳- راجع به صلیب. در مزمور ۲۲و اشعیا ۵۳ صلیب مسیح پیشگویی شده است. مسیح با میل خود مرگ بر روی صلیب را قبول نمود و قبل از کشته شدن بارها با شاگردانش در این خصوص صحبت می‌داشت (متی ۱۲: ۴۰، ۱۶: ۲۱، ۲۰: ۱۹و یوحنا ۲: ۱۹و ۲۱). در کلیه مواعظ مسیح به دو امر مهم اشاره می‌نمود؛ یعنی صلیب و قیام از مردگان (یوحنا ۳: ۱۴و ۱۵، ۱۲: ۲۴ و ۳۲ و ۳۳). کاگاوا پیشوای بزرگ مسیحی در ژاپن فداکاری مندرج در یوحنا ۱۲: ۲۴ را بزرگترین حقیقت مسیحیت می‌خواند. اول قرنتیان ۱: ۲۳ و ۲۴ و اول پطرس ۲: ۲۴ و عبرانیان ۱۰: ۱۰ را نیز بخوانید.

۴- مسیح به ما اطمینان مطلق درباره حیات ابدی می‌دهد. غالبا نویسنده شنیده است که مردم می‌گویند که خدا یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر به دنیا فرستاده است و حال به اصل موضوع و عدد پیغمبران کار نداریم، ولی اگر هر یک از آنها به شخص نویسنده می‌گفت که بعد از مرگ قیامت و حیات دیگری هست، نویسنده آن را غیر از وعده چیز دیگری نمی‌دانست. برعکس اگر یکی از آنها بر موت فائق آمده و باز از مردگان برمی‌خاست آن وقت نویسنده کاملا از صحت مسأله ابدیت اطمینان حاصل می‌نمود. مسیح این کار را کرد. او برای گناهان ما مرد، اما از مردگان برخاست و بر مرگ غالب آمد. من این حقیقت را از چند نفر شاهد امین و نیک دریافته‌ام. در حقیقت قیام مسیح بهترین حقیقت مسلم و مصدق تاریخ است. پس فقط در مسیح نویسنده می‌تواند اطمینان کامل راجع به زندگی بعد از مرگ پیدا نماید. در این موضوع باید فصل معروف راجع به قیامت؛ یعنی فصل ۱۵ رساله اول قرنتیان را با دقت تام بخوانیم. قیام مسیح از مردگان اساس و پایه اصلی ایمان ما می‌باشد. سایرین در این موضوع مهم و حیاتی که همیشه مورد توجه بشر است بیانات صریح و واضحی ننموده‌اند، اما در کلام مسیح ابدا جای تردید نیست، زیرا می‌فرماید: «من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد اگر مرده باشد زنده گردد» (یوحنا ۱۱: ۲۵). این وعده مسیح به وسیله قیام خود او از مردگان و غلبه بر مرگ کاملا تثبیت و تصریح گردید.

بعد از شورش فرانسه که همه اوضاع در تغییر و تبدیل بود، شخصی به نزد مرد سیاسی و معروف فرانسه یعنی تالیراند رفته اظهار داشت که وی دینی تازه ابداع نموده که به نظر او جایگزین کلیه ادیان عالم شده و بزرگترین مایه برکت عالم انسانیت خواهد بود. سپس وی از تالیراند پرسید که بهترین طریق برای پیشرفت دین تازه او در عالم چیست؟ تالیراند با حیرت به وی نگریسته و پس از چند لحظه گفت: «اگر می‌خواهی پیشرفت دین جدید خود را تأمین نمایی، به تو نصیحت می‌کنم که مصلوب گردی و در روز سوم از مردگان قیام نمایی.» ما باید بسیار سپاسگزار باشیم که دارای مژده مسیحی که از مردگان قیام نموده است می‌باشیم. پس باید با کمال غیرت و حرارت سعی کنیم تا دیگران را در اطمینان به ابدیت و حیات جاودانی به وسیله خداوندمان عیسای مسیح شریک و سهیم نماییم.

۵- مسیح به ما قوت حیات تازه می‌بخشد. در اینجا باز مثل موارد دیگری که در این قسمت بیان شده مسیح کاملا برکتش منحصر به فرد و انحصاری است. اگر همه انبیایی که تاکنون به دنیا آمده‌اند به من تعلیم دهند که بضی امور را انجام داده و از اجرای اعمال دیگر خودداری نمایم، با وجود این من فاقد قوه انجام خوبی و اجتناب بدی هستم و در این صورت تعلیمات آنها چه سودی برای من دارد؟ فقط به وسیله مسیح روح‌القدس می‌تواند داخل قلب من شده و به من قوت بخشد که دارای یک زندگانی مقدس و پاکیزه شوم و من نمی‌توانم تنها یک مرتبه روح‌القدس را دریافت دارم، بلکه باید به قدری نزدیک به مسیح گردم که این قوت الهی از من جدا نشود و هر روزه تجدید گردد.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که اگر مسیحیان می‌توانند چنین قوتی برای زندگی مقدس خود داشته باشند، پس چرا بعضی از آنها از این فیض محروم مانده و به گناه آلوده می‌گردند؟ دلیلش این است که این قبیل اشخاص تمام

قلب خود را تسلیم مسیح ننموده‌اند. بسیاری از ما می‌خواهیم در دل خود مقامی به مسیح بدهیم، ولی در عین حال مایلیم جای کوچکی هم برای دنیا محفوظ نگاه داریم. یا باید روح‌القدس مالک تمامی قلب ما شود و یا به کلی او را به قلب خود راه ندهیم، زیرا محال است نور و ظلمت در یکجا جمع آیند. به وسیله واگذاردن تمام قلب خود به مسیح و تازه نمودن جان از نهرهای آب حیاتی که مسیح هر روزه به ما می‌بخشد، می‌توان دارای زندگانی نیرومندی شد؛ یعنی حیات مقدسی؛ چون زندگانی خداوند و استاد خود داشت.

در انجیل یوحنا مندرج است که یک شب شخصی نیقودیموس نام به ملاقات عیسی رفت به تصور اینکه شاید مسیح علاوه بر شرایع موسی قوانین مبسوط دیگر یا امور مذهبی مشکل‌تری به وی تکلیف نماید و مثلا به وی بگوید: «آقای عزیزم، می‌دانم که تو آدم عادلی هستی و در دادن زکات از کلیه دارایی خود دقت تام می‌نمایی، اما پس از این باید برای اثبات تقوای مخصوص خود خمس دارایی‌ات را بدهی. تو فعلا در هفته یک روز روزه می‌گیری، اما از این به بعد در هفته سه روز روزه داشته باش. فعلا روزی پنج مرتبه نماز می‌خوانی، اما از این بعد باید ده مرتبه در هر شبانه روز نماز بخوانی.» اگر مسیح به این پیشوای یهود چنین جوابی می‌داد. قطعا او خیلی خوشوقت شده و از آنجا بیرون می‌رفت و زبان به تمجید می‌گشود و او را معلم و پیشوای روحانی بزرگی خوانده یا به اصطلاح خودشان «ربی» جدیدی برای اسرائیل می‌خواند، اما مسیح چنین جوابی به وی نداد، بلکه یک مرتبه متوجه عمق معنی سؤال این مذهبی ظاهربین شده و فرمود: «تو باید از سر نو مولود گردی.» آری، یک تولد تازه روحانی لازم است! نیقودیموس دیگر تاب مقاومت نیاورده و فقط با لکنت زبان گفت: «چگونه ممکن است انسانی که پیر شده باشد مولود گردد؟ آیا می‌شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته مولود شود؟ اغلب اشخاصی هم که ما امروزه با آنها صحبت می‌داریم همین طور می‌باشند. این قبیل اشخاص ممکن است از مذاکرات مذهبی خوشوقت شوند، ولی در عین حال آنها در عقیده خود باقی و ما نیز در عقیده خود پایدار هستیم. ما باید در اعماق قلب مردم رسوخ کنیم و راجع به تولد تازه‌ای که به وسیله روح‌القدس یافته و نیز راجع به قوت موجود در زندگانی تازه با ایشان صحبت بداریم.

آری، تنها مسیح می‌تواند قوت الهی برای زندگانی مقدس به ما ببخشد و ما باید چنان زندگی نماییم که دیگران را به مسیح راهنمایی کنیم. اگر زندگانی خود ما مقدس نباشد، پیام بشارت ما به دیگران حیات‌بخش نخواهد بود. در پایان سخن باید تذکر داد که این مژده یا بشارت عجیب‌ترین چیز عالم است، زیرا قسمت اعظم آن مربوط به مسیح می‌باشد که خود از عجایب اشخاص عالم است و دارای شخصیتی است که هر چه بیشتر از خلال بیانات انجیل به او بنگریم حیرت و تعجب ما درباره او زیادتر می‌شود. چیزهای متضاد زندگانی او از یک طرف انسانیت کامل او را می‌رساند و از طرف دیگر قوتی را در او نشان می‌دهد که مافوق قوه انسانی است. مثلا ملاحظه می‌کنیم که مسیح در قایقی کوچک مانند سایر افراد بشر به خواب رفته و از زحمات و کوشش روزانه خسته شده دمی می‌آرامد. از این مسأله به انسانیت او یقین حاصل می‌کنیم، اما از طرف دیگر همین شخص پس از اندکی بر سر پا ایستاده و به باد و امواج دریا امر به آرامش و سکون می‌نماید و امواج و باد امر او را اطاعت می‌کنند. در اینجا ما نیز مثل شاگردان با حیرت فریاد زده می‌گوییم: «این چطور آدمی است.» او با دو کلمه «ساکن شو» دریا را ساکت و آرام می‌کند، همچنین او طوفان‌های هراسناک درون قلب ما را آرام و ساکت می‌نماید. این از کارهای خداست و انسان نمی‌تواند آن را انجام دهد.

باز می‌بینیم وقتی عیسی خبر مرگ دوست خود ایلعازر را می‌شنود به قصبه کوچکی که دوستش در آنجا زندگی می‌کرد می‌رود، در حالی که اشک بر رخسارش جاری است و قلب انسانی او چون قلب ما از اندوه و زحمت متأثر می‌باشد. اندکی پس از آن می‌بینیم همین شخص با لحن قدرت به ایلعازر مرده حکم می‌کند که از مردگان برخاسته و پیش بیاید. زنده کردن مرده کار انسان نیست. بالاخره در پایان زندگانی جسمانی مسیح می‌بینیم که بدن وی بر روی صلیب آویخته و در حال مرگ است. با وجود این همان دم دزد تائب را به بهشت می‌رساند که به جز خدا کسی بدان قادر نمی‌باشد! چطور می‌توان این امور متضاد را توضیح داد؟ تنها تعریف کامل و قانع‌کننده این است که مسیح؛ یعنی جان و اصل پیام ما، انسان کامل و جامع کلیه صفات و خصایل انسانی است و از طرف دیگر دارای جنبه الوهیت می‌باشد. قلب وسیع و پر محبت او از کلیه رنج‌های ما آگاه و می‌تواند گناهان ما را بخشیده و در زندگانی روزانه قوت روحانی به ما عطا فرماید و بالاخره او می‌تواند ما را بی‌گناه و پاک در حضور تخت خدا معرفی کند. آری او نجات‌دهنده عجیبی است و نجات عظیمی به وسیله او می‌توان به دست آورد و بالاخره پیامی که ما در دست داریم بی‌نظیر است.

فصل چهارم: طرق بشارت

توسعه روش مسیح در بشارت

بهترین طریق در بشارت کدام است؟ تجربه بهترین معلم است و تجربیاتی که از عهده‌داری این کار مقدس عاید هر یک از ما می‌گردد در به کار بردن وسایل مختلف و توسعه آن مؤثر و بهترین راه را در تقرب به قلوب تعلیم می‌نماید، اما اگر سبک استاد خودمان را در تحت نظر دقت درآورده سرمشق قرار دهیم، بسیار مفید و سودمند خواهد بود. اولین چیزی که ملاحظه می‌کنیم این است که مسیح بشارت و مژده نجات را در زندگی خود مهم‌ترین رکن قرار داد. وقتی یحیای تعمید دهنده دو شاگرد خود را نزد عیسی فرستاد تا از وی سؤال کنند که آیا او همان مسیح موعود و نجات‌دهنده عالم است که منتظر می‌باشند یا نه، مسیح در پاسخ چنین پیام فرستاد: «کوران بینا می‌گردند و لنگان به رفتار می‌آیند و ابرصان طاهر و کران شنوا و مردگان زنده می‌شوند و فقیران بشارت می‌شنوند» (متی ۱۱: ۵). در اینجا مشاهده می‌کنیم که بشارت در رأس امور مسیح قرار گرفته است. خدمت او خدمت اجتماعی بوده و تعلیم و شفای مریضان و حیات بخشیدن به اموات همه وسیله برای رسانده مژده نجات بود. اگر این مهم‌ترین کار مسیح بوده بایستی سرمشق ما قرار گیرد و از روی میل و اشتیاق مقدار زیادی از وقت خود را در فرا گرفتن روش مسیح در امر بشارت یا داشتن عهد جدید در دست مصروف نماییم.

همچنین در ملاقات‌های فریسیان و کاتبان و رؤسا و پیشوایان دیگر یهود با مسیح ملاحظه می‌کنیم که آنها دائما سعی می‌کردند که فکر و عقیده مسیح را آزمایش نمایند و به وسیله پرسش‌ها او را به دام افکنند و از راه آزمایش‌های عقلانی و مغالطه و حیله بر او ظفر یابند، ولی می‌بینیم که مسیح پیوسته آنها را با اظهار یک اصل ابدی اخلاقی جواب می‌گفت و بر قلب و وجدانشان ضربه وارد می‌ساخت. هر اندازه روش مسیح را در اظهار اصول جاودانی اخلاقی او در پاسخ‌های خود به کار بریم در جلب قلوب و وجدان آنها بیشتر مهارت حاصل می‌نماییم. برای نمونه طریق مسیح را در ملاقات با صدوقیان به طوری که در انجیل متی ۲۲: ۲۳- ۳۳ مندرج است در نظر می‌گیریم. می‌بینیم که پیشوایان این فرقه سؤالی مطرح می‌کنند تا نظر مسیح را بیازمایند. او سؤالشان را کاملا جواب می‌گوید و دو اصل ابدی اخلاقی را که آنها لازم بود بدانند و بدان محتاج بودند و نیز برای ما بسیار مفید است، علاوه می‌نماید، به قرار ذیل:

۱- زندگی در آسمان روحانی خواهد بود نه جسمانی

۲- ذات خدا مقتضی بقا و قیامت انسان است.

بدون شک کسانی که آن سؤال را نمودند، این جواب را در قلب و ضمیر خود گنجانیدند. آن نکته حقیقتی را که می‌بایست بدانند همان بود. در بشارت باید پیرو رویه مسیح باشیم و حتی‌الامکان در پاسخ‌های خود عین کلمات مسیح را که در انجیل یافت می‌شود به کار بریم، زیرا در بسیاری از مواقع که برای تعلیم و موعظه انجیل مبادرت می‌ورزیم، مواجه با همان پرسش‌ها و اشکالات خواهیم شد که برای مسیح پیش می‌آمد. این کار را باید پیوسته در محبت و روح مقدس او انجام داد.

۱- آمیزش و وسیله تقرب به نفوس

بعضی از اشخاص به اندازه‌ای از روح‌القدس مملو می‌باشند که به محض ملاقات با هر شخص صحبت مسیح را به میان می‌آورند و در رساندن پیام خودداری نمی‌نمایند. بسیاری از مبشرین معروف همچون «دوایت مودی» به قسمی در رساندن مژده انجیل سرشار بودند که در طریق گردآلود زندگی به هر مسافری که برخوردند با کمال خرسندی جرعه‌ای از آب خنک و گوارای حیات به او نوشانیدند. مسیحیان در هر شغلی که هستند موظف به ابلاغ بشارت می‌باشند. اینک به ذکر مثالی مبادرت می‌کنیم: می‌گویند دکتر سعید خان کردستانی مقیم تهران هر مریضی را که به وی مراجعه می‌کند به همان اندازه که در صحت بدن او مراقبت دارد و داروی مؤثر و شفابخش می‌دهد، در مداوای روحش نیز با دواهای حیات‌بخش اهتمام می‌نماید.

امروزه آمیزش با اشخاص مانند زمان پیش سخت نیست و چندان اشکال ندارد. مردم ایران برای شنیدن پیام به نظر مایل و حاضر می‌نمایند. جمعی از مبشرین که وقت خود را در بشارت انجیل مصروف نموده‌اند، می‌گویند که اشکال

در تقرب به نفوس نیست، بلکه در مداومت با آن می‌باشد که طبیعتا در کارهای روزانه پیشامد می‌کند. بیشتر اشخاص مایل به شنیدن موضوع‌های مذهبی می‌باشند، بخصوص اگر پیام روح‌بخشی برای اظهار داشته باشیم و اگر بخواهیم با پیروان سایر مذاهب صحبت کنیم، شایسته است با یک مقدمه خوبی مذاکره را شروع کنیم. مثلا از او بخواهیم در یک وقت معینی در حدود ده دقیقه در موضوع خوراک روحانی که در ایمان خود به دست آورده بیاناتی نماید و سپس اجازه دهد که ما هم ده دقیقه از غذای روحانی که در مسیح یافته‌ایم صحبت بداریم.

وقتی به شخصی برخوردیم و مکالمه صورت روحانی به خود گرفت، لازم است او را ترغیب نماییم که اگر ممکن است عهد جدید را بخواند، یا به دفتر فروش کتب مقدسه رفته و انجیلی هدیه نماید و یا اینکه با خود از اناجیل موجود داشته باشیم و به او بدهیم، زیرا هر مسیحی باید موزع کلام باشد و باید به او گفت که در قرائت کتاب مقدس آنچه به نظرش مشکل می‌رسد مطرح نموده و با هم در آن مطلب مذاکره نماییم. شاید بهترین طریقه در برخورد به موضوع مسیح و نجات، کتب و نوشته‌های مسیحیان باشد. ما راجع به هر مطلب رساله کوچکی به فارسی داریم که آیات مربوط به هر موضوع را شامل است و مجموعه‌ای از آیات راجع به یک مطلب بشمار است و به هر کس در اولین وحله ملاقات می‌تواند داد و نیز بسیاری از رسالات خوب هستند که حاوی پیام بشارت می‌باشند. هر مسیحی باید از آنها مستحضر و مطالبش را در ذهن خود حاضر داشته باشد. به کار بردن نوشته‌ها در بشارت آنقدر مهم است که ما راجع به آن در قسمت چهارم مشروحا بحث خواهیم کرد. حاصل موضوع این است که این یکی از بهترین وسایل در آمیزش و تقرب به اشخاص است.

بالاخره با بصیرت و موقع‌شناسی و حسن تدبیر باید با مردم آمیزش نموده و به اشخاص تقرب جست، برای اینکه اگر سنجیده و بی‌موقع وارد گردیم، ممکن است که نتیجه از سعی خود نگرفته، بلکه برعکس شخص را بر ضد مسیح و پیام او برانگیزانیم. پس باید به وسیله دعا هدایت بطلبیم تا به موقع و با محبت مسیح به قلوب دست یابیم. همین که با محبت مسیح برانگیخته شدیم و تجربه حاصل نموده بصیرت را با مهارت توأما به کار بردیم، خواهیم دید که روز به روز در جلب نفوس بیشتر دست می‌یابیم. «ما دعوت بزرگ خدا را پذیرفته‌ایم» (دوم قرنتیان ۵: ۲۰).

۲- بشارت از طریق زندگانی مسیحی

یکی از بزرگترین علل پیشرفت نکردن امر بشارت، زندگانی کسانی است که اسما مسیحی هستند، ولی روح مسیح در قلب و زندگانی روزانه آنها رسوخ ننموده و فاقد آن می‌باشند. از طرف دیگر زندگانی روحانی مسیحی واقعی بزرگترین وسیله جذب برای مؤمنین است و وجود هر خانواده مسیحی حقیقی دلیل عظیمی است برای مسیحیت، چنانکه در رساله پولس رسول به غلاطیان مذکور است: «ثمره روح محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است» (۵: ۲۲). وقتی این ثمرات به خودی خود در زندگانی هر مسیحی ظاهر گردید، محکم‌تر از زنجیرهای فولادین برای کشیدن مردم به طرف مسیح می‌باشد. شاید به نظر بعضی اینطور برسد که چنین زندگانی کافی است، اما اگر ما ایلچیان مسیح هستیم، نه فقط لازم است که چنین زندگی کنیم، بلکه با کلمات حیات‌بخش انجیل دیگران را به سوی مسیح دعوت نماییم. ناگفته نماند که هر اندازه ما از بام خانه با صدای رسا مردم را به طرف مسیح بخوانیم و در زندگانی روزانه خود او را عملا انکار نماییم، فقط مثل نحاس صداکننده شده‌ایم و نتیجه‌ای برای ملکوت مسیح نخواهد داشت. زندگانی پاک و بشارت با محبت حقیقی توأما برای جلب مردم به سوی مسیح لازم است.

۳- مباحثه

هر چند مذاکرات مذهبی در هر جا به نظر ما آسان می‌رسد، اما اقامه دلیل و برهان و دوری از مناقشه مشکل می‌باشد. ما باید پیوسته کوشش نماییم تا در بشارت و پیام مسیح مهر و محبت پیرو ما باشد و هرگز برای رضایت و خشنودی خاطر خود یا برای غلبه بر مدعی به دلیل و برهان نپردازیم و احتجاج ننماییم. از آن گذشته در تمام مدت مذاکره باید محبت مسیح را در رفتار خود ظاهر سازیم. حقیقتا جای بسی تأسف است که در طی مذاکرات از حال طبیعی خارج شده تندی نماییم با آنکه ممکن است در حجت و برهان غلبه با ما باشد. مذاکره و بحث و توضیح لازم است، چنانکه پطرس حواری می‌فرماید: «خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و پیوسته مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس» (اول پطرس ۳: ۱۵). در همین معنی عهد جدید حکم می‌کند که از احتجاج و مشاجره لفظی پرهیز نماییم. در این فصل به رساله دوم پولس رسول به تیموتاؤوس ۲:

۱۴و رساله پولس رسول به تیطس ۳: ۹ مراجعه شود.

۴- کتاب مقدس و نوشته‌های مسیحیان در بشارت
توزیع و نشر کلام خدا با دعا و از روی دقت یکی از بهترین وسایل در بشارت است. ما مسیحیان امروزه بسیار مدیون زحمات «هنری مارتین» و کسانی که دنباله اقدامات او را در ترجمه کتاب مقدس به فارسی متحمل شده‌اند هستیم و ما باید از انجمن انتشار کتب مقدسه تشکر نماییم که اکنون کتاب مقدس را به زبان‌های مختلف متداول ایران در دسترس ما گذارده است و می‌توانیم کلام را به هر شخص به زبان‌های مادری خودش تقدیم نماییم. امروز اکثر اعضای کلیسا در ایران شهادت می‌دهند که یا بدوا به وسیله خواندن کتاب مقدس مسیح را شناخته‌اند، یا در اثر کلام مقدس مجبور به تسلیم قلب خود به مسیح شده‌اند. رساله به عبرانیان ۴: ۱۲ را مطالعه نمایید.

امروز ما بسی خوشبخت هستیم که در ایران به علاوه کتاب مقدس ذخیره‌ای از نوشته‌های مسیحیان داریم که در طریق بشارت کمک خوبی می‌باشند و کتب بسیار عالی برای آشنا و نزدیک نمودن اشخاص به مسیحیت و همه نوع کتب جالب توجه برای عموم طبقات خوانندگان موجود است. همین که رغبت اشخاص زیادتر شد و مایل شدند که با دقت بیشتری کتاب مقدس را مطالعه نمایند، کتب عالی تفسیر که کلام را توضیح می‌دهد و یک فرهنگ بزرگ کتاب مقدس که کلمات غیرمأنوس و اسامی و لغات بسیاری را به خوبی معنی می‌کند موجود می‌باشد. در این عصر که تعلیم و تربیت به سرعت پیشرفت می‌نماید و مردم اشتیاق زیادی به قرائت دارند، بر هر فرد مسیحی لازم است که اولا خود با آن نوشته‌هایی که در دست است آشنا شده و سپس به دیگران بدهد تا راهنمای آنها به مسیح گردند. کسانی که نوشته‌ها و رسالات را نخوانده و به کار نبرده‌اند، بایستی توسط میسیون امریکایی تهران به کمیته ادبیات بنویسند و یک نسخه فهرست با نمونه‌ای از کتب و نوشته‌ها بخواهند. چقدر لازم و بجاست که هر فرد مسیحی پنج نفر را در تحت نظر گرفته و با دعا از خدا بخواهد تا در مسیح نجات یابند و آنها را با بصیرت و حوصله به مطالعه عهد جدید و نوشته‌های مسیحیان رهبری کند. بدون شک آنها مشعوف خواهند شد که کسی آنها را با کتب و رسالات مناسبی آشنا کند.

۵- بشارت در مدرسه و بیمارستان
مسیح به پیروان خود امر فرموده که بروند و تمام ملل عالم را تعلیم دهند. مسیح خود معلم بزرگ بود و هر جا که انجیل او رفته یک پرگرام برجسته تعلیم و تربیتی پیدا شده که برای بشارت اساسی استوار بوده است. اشخاصی که دارای حرفه معلمی می‌باشند به قلوب اطفال بسیار نزدیک هستند و بنابراین فرصت خوبی دارند که مسیح را به وسیله کلام و زندگی نیکوی خود به آنها معرفی نمایند، ولی باید بدانند که آنها حق ندارند و نباید شاگردان را مجبور به تغییر عقیده و قبول مذهب مخصوص نمایند. اگر معلم فقط مشغول وظایف جاری درس روزانه گردد و در بشارت انجیل و تربیت روحانی اطفال غفلت نماید، خطر بزرگی متوجه اطفال خواهد بود. محققا بایستی در نظر ما که پیرو مسیح هستیم تربیت روحانی در مدرسه حتی مقامی مهم‌تر از دروس داشته باشد. اگر قلب شریر باشد، تعلیم به تنهایی مضر خواهد بود، اما اگر قلب با روح و محبت مسیح مملو گردد، تربیت اثر نیکویی در هر طفل بخشیده و توسط او در جامعه نفوذ می‌نماید.

چون مسیح طبیب بزرگی بود و لنگان و کوران و مریضان را شفا می‌بخشید، بر جامعه مسیحیان است که بیمارستان‌ها بنا کنند و مریضان و بیچارگان را به روح و اسم مسیح خدمت نمایند. اولین وظیفه ما این است که مواظبت نماییم این بیمارستان‌ها نه تنها بدن را خدمت نمایند، بلکه روح را نیز خدمت کنند. وقتی شخص جسما علیل و شکسته گردید و زمین‌گیر شد تازه فرصتی برای تفکر حقایق جاودانی روحانی دارد، اگر با مهارت و مناسبت اظهار شود. اما این نمی‌رساند که باید مطالب روحانی را به مریضی که اشتیاق به شنیدن آن ندارد تحمیل نمود. مسیحیانی که وقت دارند می‌توانند به عیادت بیماران بروند و بر بستر درد و مصیبت آنها همچون اشعه‌ای از خود مسیح حاضر گردند. اطبا و پرستاران شخصا فرصت خوبی برای بشارت دارند و کلمه‌ای که آنها می‌گویند ممکن است بیشتر از صحبت‌های زیادی که مسیحیان دیگر می‌نمایند مؤثر باشد. «کاگاوا» پیشوای بزرگ روحانی ژاپنی می‌گوید: «اگر پرستاران مسیحیانی با حرارت باشند، قطعا ژاپن را برای مسیح فتح می‌کنیم.» چون ما پیرو مسیح هستیم و قدم به قدم او را متابعت می‌نماییم و کوشش می‌کنیم کارهایی را که او کرده است انجام دهیم، بایستی بیمارستان‌ها تأسیس نماییم و هرگز نباید غفلت نمود که در آنجا هدیه‌ای به مردم دهیم که بالاترین هدایا باشد؛ یعنی نجات به وسیله

ایمان به عیسای مسیح خداوند.

۶- سفر بشارتی در دهات

چه امر عجیبی می‌بود اگر عده‌ای از مسیحیان ایران خودشان را وقف بشارت انجیل در دهات و نقاط فلاحتی مملکت می‌نمودند. چرا نبایستی جمعی از مسیحیان وارسته به اقصی نقاط مملکت و جاهایی که از مراکز جمعیت دور هستند پراکنده گردند و مژده حیات را برسانند؟ کلیسا واقعا خوشبخت است که هم اکنون یکی دو از این دراویش را دارد. سموئیل جوانی که در فصل اول این رساله نام برده شد دارای این نوع زندگی بود، چون او لبیک حق را اجابت نموده، آیا اشخاص دیگری نیستند که خودشان را وقف چنین زندگی که هیچ اجر و مزدی در این دنیا ندارند غیر از سروری که در انجام تکلیف و راحتی که از اطاعت فرمان مسیح می‌برند، بنمایند؟ چه خدمت بزرگی ممکن است این نوع اشخاص برای مسیح و ملکوتش انجام دهند! تا تشکیلات بشارتی و ترتیب منظمی داده نشده.

قرا و نقاط زراعتی اغلب به اندازه کافی باید سرکشی شود، زیرا اگر غیر از این ترتیب باشد ممکن است اشخاصی که به مسیح رغبت پیدا نموده‌اند به علت طول مدت آن میل و رغبت را از دست بدهند و فرصت دیگری نداشته باشند تا در خصوص مسیح اطلاعات بیشتری کسب نمایند. اگر به وسیله مسافرت‌های بشارتی بخواهند کار مؤثر و مهمی کرده شود، لازم است طریق منظم و مرتبی اتخاذ گردد. امروزه تک تک در بسیاری از دهات مسیحیانی دیده می‌شوند، ما باید کوشش کنیم و دعا نماییم که این دسته‌های کوچک به کلیسای مسیحی مرتبی مبدل شوند. اکنون ما شروع آن را در بعضی از نقاط می‌بینیم و وجود چنین کلیساهای کوچک در قرا و قصبات علامت مرحله جدیدی در پیشرفت ملکوت و کلیسای مسیح خواهد بود. خدا چنان روزی را زودتر عنایت فرماید.

۷- بشارت به وسیله هدایا

ممکن است بعضی از مسیحیان بیشتر بتوانند وقتشان را صرف بشارت نمایند و بعضی کمتر، اما هر مسیحی می‌تواند مقداری از عایدات خود را اختصاص به این کار دهد. پولس رسول از قول مسیح چنین نقل می‌کند: «دادن از گرفتن فرخنده‌تر است.» یقینا از کمک نقدی به طور منظم به منظور انتشار انجیل برکت بهتری خواهیم یافت، مخصوصا که بدانیم طلا و نقره‌ای که اینجا می‌دهیم مبدل به اندوخته‌ای می‌گردد که هیچگاه بید و زنگ نمی‌توانند آن را فاسد گردانند و بدان وسیله روح‌های جاویدی که مایل به شنیدن انجیل و یافتن نجات می‌باشند رهایی می‌یابند. بر وفق تعلیمات عهد جدید ما همه ناظر و مباشریم و آنچه داریم سپرده خدا می‌باشد و وقتی باید در حضور خدا بایستیم و حساب تمام آنچه به ما سپرده شده است بدهیم. در این صورت در موقع دادن حساب از آنچه مستقیما خرج ترویج و انتشار انجیل شده است چقدر خوشحال خواهیم بود. رساله اول پولس رسول به قرنتیان فصل ۴ آیه ۲ را ملاحظه نمایید. طبق قوانین عهد عتیق بر عبرانیان واجب بود که یک دهم عایدات خود را برای مخارج بیت‌المقدس بدهند، چون ما مسیحیان از طریق مسیح بیشتر سود برده‌ایم نبایستی کمتر از ده یک عایداتمان را بدهیم. عهد جدید برای این منظور مبلغی را تصریح ننموده، اما ما باید فرض کنیم که آنچه داریم از آن خدا می‌باشد و معلوم کنیم چه اندازه از آن را حق داریم به مصرف احتیاجات شخصی برسانیم نه اینکه چقدر باید برای پیشرفت کلیسا و بشارت بدهیم.

۸- بشارت به وسیله موعظه

در کلیسای مسیحیان اولیه می‌بینیم که موعظه دارای مقام مهمی در بشارت بوده است. در روز پنطیکاست پطرس حواری وعظ مهم بی‌نظیری در بشارت نمود، زیرا که در اثر آن مجلس سه هزار نفر به مسیح ایمان آوردند و تعمید گرفتند. از آن زمان به بعد در طی اعصار موعظه برای جلب مردم به مسیحیت به کار رفته است. اگر واعظین ما از روح‌القدس مملو باشند و با در نظر داشتن بشارت از کلام خدا وعظ نمایند، قطعا موقع حصاد روح خواهد بود (به اول قرنتیان ۱: ۲۱ رجوع شود). همیشه اشخاصی بوده‌اند که وعظ را از نادانی و جهالت می‌پنداشته‌اند، اما جایی که مسیح جلال داده شود و مرگ روی صلیب و قیامش به مردم موعظه گردد، به منظور ایمان و امید آن وعظ قوت الهی برای هدایت مردم به نجات خواهد بود. موعظه از نادانی و جهالت نیست، بلکه حکمتی است به مراتب بالاتر از آنچه دنیا از راه دیگر بتواند بدان نائل گردد. موعظه بایستی شخصی را مؤمن و معتقد ساخته و با ایمان تربیت نماید، اما در این موقع که کلیسای مسیح در ایران تأسیس می‌شود، باید منظور مهم از موعظه انتشار انجیل باشد و پیوسته یکی از مهم‌ترین قسمت‌های برجسته پرگرام بشارتی کلیسا را تشکیل دهد و همواره این نظریه تعقیب گردد.

۹- بشارت‌های شخصی

برای پی بردن به اهمیت بشارت‌های شخصی، ما باید راجع به حقایق بسیاری که مسیح بدوا برای افراد بیان فرموده تفکر نماییم و ببینیم که چطور با وجود اشتغال زیاد در رفع احتیاج و نجات نفوس کوشش می‌نمود. بهترین وسیله برای جلب مردم به مسیح محبت اوست و بهترین راهنما در بشارت‌های انفرادی تجربه‌های شخصی می‌باشد. باز در اینجا کتاب مقدس به کار خواهد آمد، چونکه عملا در بشارت‌های انفرادی مفید بوده است و بیانات مبشرین بزرگ در این فصل صدق قول ما می‌باشد. مطالعه و قرائت شخصی و دقت در مطالب آن حافظه شخص را پیوسته برای بیان و اظهار عین مطلبی که مورد احتیاج است حاضر و آماده می‌دارد تا بدان وسیله راهنمای اشخاص گردیم. ما در اعمال مسیح ملاحظه می‌کنیم که او همواره اشخاص را در خور فهم و استعداد خودشان تعلیم می‌داد. مثلا آنچه لازم بود نیقودیموس بداند موضوع تولد تازه و بصیرت در چیزهای روحانی بود و آن زنی که در نزد چاه سامره با مسیح مصلوب مصادف شد می‌توانست با آب زندگی حقیقت را تحصیل نماید.

همین طور ملاحظه می‌کنیم که مسیح در مذاکرات خصوصی و تعلیمات انفرادی‌اش چگونه جواهر حقیقت را اعطا می‌فرمود: «زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد» (یوحنا ۳: ۱۶)، «خدا روح است و هر که او را پرستش کند می‌باید به روح و راستی او را بپرستد» (یوحنا ۴: ۲۴). آیا این حقایق در مقابل جمع کثیری ایراد شد؟ خیر، در شب وقتی که نور مرتعش روی برگهای قهوه‌ای درخت زیتون می‌افتاد، یا نزد چاه سامره بعد از یک مسافرت چندین ساعته پیاده که در آن جاده‌های پر گرد و خاک صورت گرفته بود، مسیح چنین جواهر حقیقت را در بشارت انفرادی به کار برده بود. ما که پیرو مسیح هستیم باید از استاد خود متابعت نموده در بشارت‌های انفرادی طریقه او را دنبال نماییم. مخصوصا بایستی محبت، بصیرت و حلم او را در طریق بشارت به کار بریم.

۱۰- تأسیس کلیسای مسیح در ایران

علاقه و دلبستگی ما در بشارت به افراد است، اما وظیفه ما این است که قدمی فراتر گذارده ملاحظه نماییم که آیا کسانی مسیح را پیدا کرده و در او تولد تازه یافته‌اند تشکیل جمعیت کلیسایی داده‌اند یا نه. کلیسا لازم است، زیرا در عهد جدید بیان شده که کلیسا بدن مسیح است. همانطور که بدن مسیح در حین تجسم اراده پدر را انجام داد، کلیسا هم که بدن مسیح است باید جد و جهد نماید که خواهش مسیح را به عمل آورد. ممکن است شخصی بگوید: «من می‌توانم مسیحی خوبی باشم و جداگانه او را بپرستم و عبادت نمایم. لازم نیست که عضو کلیسا شوم.» این بدون شک ممکن است، اما مسیحیت ایمان اجتماعی است و ما احتیاج به شرکت و عضویت مسیحیان دیگر داریم و همچنین راه خدمت خود را در کلیسا می‌یابیم. در کلیسا می‌گیریم و می‌بخشیم. به علاوه به وسیله کلیسا ملکوت عالمگیر مسیح پیشرفت می‌نماید. خدا همین طور مقرر داشته است. هر یک از ما باید عضو فعال «بدن مسیح باشیم.» (به افسسیان ۱: ۲۲ و ۲۳ و کولسیان ۱: ۱۸و اول قرنتیان ۱۲: ۱۲ و رومیان ۱۲: ۵ رجوع شود).

در این موقع که کلیسای مسیح در ایران به وجود می‌آید هر فرد مسیحی دارای مسؤولیت مهمی است که باید با تمام قوا بکوشد تا این کلیسا بتواند خود را جسما و روحا نگاه دارد و بر خود حکمرانی کرده قوای خود را زیاد نماید. چنین کلیسایی نماینده و کارگذار بشارت و عامل پیشرفت ملکوت مسیح در این سرزمین خواهد بود. ایجاد یک کلیسا کار آسانی نیست. این کار حقیقتا از قوه بشری خارج است. تنها قوه الهی است که با دست بشر برای پیدایش کلیسا کمک می‌کند. پولس رسول می‌فرماید: «برای تأسیس کلیساها زحمات طاقت‌فرسایی متحمل شده‌ام.» تأسیس و برپا داشتن کلیسا هم در ایران زحماتی را در دعا دارد که پولس رسول متحمل بوده و صبر و زحمت مخصوصی که با خدا کار بکنیم. مثلا مملکت کره را در نظر بگیرید، جایی که در مدت کمتر از نصف قرن کلیسایی پیدا شده که امروز عده آن بیش از مسیحیان قرن اول میلادی است. «کاگاوا» رهبر نهضت ملکوت خدا در ژاپن مقصدش گرفتن یک میلیون عضو تازه در ژاپن می‌باشد. تعداد جمعیت چندان قابل اهمیت نیست، از اینها گذشته باید کار کنیم و دعا نماییم تا کلیسا در ایران زنده و جاوید بماند. آن وقت با اطمینان خاطر ناظر زمانی باشیم که از حیث عده هم زیاد و قوی باشند و اثری مافوق قوت نسبی بخشد. چنین کلیسایی نسبت به خدا باوفا، نسبت به مملکت وطن‌پرست و به منزله چراغی خواهد بود که به نور خود راهنمای اهالی این مملکت در ترقی مادی و اخلاقی و روحانی باشد.

در خاتمه باید متذکر شویم که بعضی از اعضای کلیسا با مخارج شخصی وقت خود را صرف وعظ و بشارت در دهات

و قصبات و نقاطی که هرگز نام مسیح را نشنیده و واعظ و مبشری ندیده‌اند، کرده‌اند. معلمین و متعلمین درموقع تابستان فرصت بسیار خوبی برای چنین بشارتی دارند. به علاوه مسیحیان در طریق مسافرت خود برای مقاصد شخصی هم می‌توانند رسالاتی منتشر نموده و جزاواتی فروخته و راجع به مسیح شهادت بدهند. طرق بشارت بسیار است، ولی چیزی که لازم است میل و اشتیاق به این خدمت می‌باشد. چقدر مناسب است اگر مسیحیان یک دهم وقت خود را صرف این خدمت مقدس نمایند. بعضی از وعاظ و مبشرین می‌توانند تمام وقت خود را مصروف این دعوت نمایند. بجاست اگر اشخاص دیگری که مایل به قبول این خدمت هستند با خدا عهد بسته که ده یک وقت خود را صرف دعوت مردم به مسیح نمایند. محتمل است به تدریج این یک دهم از جهات دیگر توسعه یابد و آن وقت در ایران کلیسایی زنده و با روح‌القدس مملو خواهیم داشت که همان بدن مسیح و پیرو او باشد و اراده مقدسش را به انجام رساند. مسیح تا ابدالاباد برای جلال خداوند متعال متبارک باد.

فصل پنجم: اسرار بشارت

بشارت صحیح که نفوس را به نجات می‌رساند هرگز به عواملی که انسان فقط در آن دخیل باشد امکان‌پذیر نیست. این کار خداست که برای آن مسیح را به این دنیا فرستاد، بنابراین بایستی به وسیله قوای الهی انجام پذیرد. در حقیقت ما نمی‌توانیم درست بیان کنیم که چگونه و به چه طریق قلوب بشر تغییر می‌یابد که حاضر به ترک گناه خود گردیده و تسلیم مسیح می‌شوند، این سر بشارت است. نمی‌توانیم بفهمیم که قوه الهی چیست، اما می‌توانیم تا اندازه‌ای ملاحظه کنیم که چطور کار می‌کند و تحت چه شروطی عطا می‌شود. به همین طریق هیچ کس نمی‌تواند به ما بگوید که الکتریسیته چه چیز است، اما می‌دانیم که چطور کار می‌کند و به چه طریق آن را به کار بریم. هر کجا سعی شود که به وسیله فهم و فصاحت، یا به وسیله پول و یا به وسایل دیگر بشری و دنیوی کار بشارت پیش رود، شکست قطعی خواهد بود. راجع به این کار بخصوص ما باید صدای خدا را که به وسیله کلمات نبی فرموده است بشنویم: «نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح من، قول یهوه صبایوت این است» (زکریا ۴: ۶).

چون مسیحیت طریق الهی می‌باشد، بنابراین سر عمیقی در آن موجود است. بسیاری از عقاید آن بر عقل بشری فائق آمده است. آنها در کلام خدا و در عیسای مسیح مکشوف گردیده‌اند، اما ما نمی‌توانیم آنها را کاملا بفهمیم. ما جد و جهد می‌ورزیم که معرفت بیشتر و عمیق‌تری از این رموز در طریق زندگی با مسیح به دست آریم، اما آنچه را که ما نمی‌توانیم بایستی به وسیله ایمان قبول نماییم. هرگاه تمام نکات و دقایق یک دین به وسیله فکر بشری محقق و مفهوم گردد باید کاملا مطمئن بود که آن ساخته بشر است و از طرف خدا نیست. پس آن قوه‌ای که نفوس را به مسیح جلب می‌کند همان سر بشارت است و کسانی که در جلب افراد به مسیح پیشرفت نموده‌اند مانند پیشوایان مجامع بزرگ بشارتی در آن موافقند که این نتایج فقط از دعاهای دائمی و در تحت هدایت و دستور و برکت روح‌القدس عاید می‌گردد. ما این اصول لازم را که موجب کامیابی و موفقیت در بشارت است ذیلا ذکر می‌نماییم:

۱ - دعا

اولین سر کامیابی و بشارت قوه در دعا می‌باشد و ما بدوا راجع به دعا از آن جهت تفکر می‌کنیم که اساس مجدد قلوب نفوس و کلیسا به طور کلی می‌باشد. زندگی روحانی بدون دعا محال و از ممتنعات است. برای تقویت یافتن در امر بشارت ما بایستی زندگی روحانی عمیقی به دست آوریم و آن با مداومت در دعا شروع می‌گردد. نه فقط دعا کنیم برای آنچه بدان محتاجیم، یا کمک خدا را بطلبیم در هنگام خطر یا سختی زندگی، بلکه دعایی که درهای آسمان را بگشاید و باران رحمت را نازل سازد. ما دعا را کشتی گرفتن با خدا تعبیر می‌کنیم و حقیقت امر هم این است که اکثر ما از این جهت قوی نیستیم و وقتی شروع به دعا می‌کنیم در اندک مدتی خود را به زمین میخکوب می‌بینیم. ورود در جریان عادی دعا آسان است، اما عالم دعای بی‌نهایت وسیع‌تری در کار مقدس بشارت منتظر ما می‌باشد که خدا توسط مسیح از روی محبت ما را به آن می‌خواند. پس چگونه دعا نماییم تا هنگام بشارت واجد برکات سماوی گردیم؟

۱ - چیزهایی که می‌طلبیم باید بر وفق میل خدا باشد (اول یوحنا ۵: ۱۴). خداوند در دعایی که به طور نمونه و مثال تمام دعاها ذکر نموده می‌فرماید: «اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود.» بعضی می‌گویند: «مایل هستیم مطابق اراده خدا دعا نماییم اگر به طور قطع بدانیم آن اراده چیست.» تجربه در دعا این مشکل را حل می‌سازد، زیرا تجربه است که اراده قادر مطلق را خیلی بیشتر تعلیم می‌دهد. «اندرو موری» قوی‌ترین اشخاص قرن معاصر در دعا می‌گوید که ما اراده خدا را به سه طریق ممکن است بدانیم: اولا به وسیله مکاشفه مستقیم توسط روح خداوند و ثانیا به وسیله کلماتش که در کتاب مقدس مندرج است، ثالثا به وسیله مشورت با مسیحیان آزموده و روحانی. همچنین ممکن است بیشتر اراده خدا را به وسیله مطالعه در کلمات و زند گی مسیح بیابند، برای اینکه او تنها کسی بود که در مدت حیاتش و در تمام موارد کاملا مطابق اراده خدا عمل نمود.

۲- دعای مؤثر باید از یک قلب پاک صادر شود (امثال ۵: ۸ و یعقوب ۵: ۱۶). بت‌پرستان خیال می‌کنند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می‌شوند، اما هر که با الفبای مسیحیت آشناست می‌داند که دعا از یک قلب پر از گناه بی‌فایده است، مگر اینکه تقاضا برای کمک به ترک آن گناه باشد. دعای شخص پرهیزگار است که خدا از شنیدنش مشعوف

می‌شود و مستجاب می‌نماید. قلوب ما باید از خودپسندی و تکبر در موقع دعا خالی باشد. در این قسمت ما نمی‌توانیم از حکایت مسیح راجع به فریسی و باجگیر بهتر بیابیم (لوقا ۱۸: ۱۰- ۱۴).

۳- دعاهای ما باید از روی ایمان باشد (مرقس ۱۱: ۲۴ و یعقوب ۱: ۶). وقتی خداوند ما به رنجوران شفا عطا می‌فرمود کلماتی مانند این عبارت به کار می‌برد: «بر وفق ایمانت به تو عطا گردد.» همین طور است در دعا، می‌توان گفت که خدا حاضر است عرایض ما را به اندازه ایمانمان جواب گوید. اگر در دعا برای پیشرفت ملکوت خدا قوی هستیم باید ایمانمان را بیازماییم و بدانیم مسیح حاضر است با ما کمک کند و ایمانمان را زیاد و قوی گرداند. مردان بزرگ ایمان از زمان ابراهیم باوفا الی زمان حاضر در دعا بیشتر صاحب نفوذ بوده‌اند.

۴- ما باید با شرکت و کمک روح‌القدس دعا کنیم (رومیان ۸: ۲۶ و ۲۷). آثار بسیاری در دعا هست که ما نمی‌توانیم هرگز در قوای خود وارد سازیم، زیرا که از این حیث بسیار ضعیف هستیم. روح‌القدس حاضر است بار ما را بردارد، پس از اینکه درخور قوه خود آن را برداشته پیش برده باشیم و به مقاماتی که کلمات قاصر از بیان آن است بلند نماید. به علاوه چنین مقامات عالی در زندگی از طریق دعا موافق اراده خدا می‌باشد. ممکن است مختصرا بگوییم:

- فقدان دعا　　فقدان قوه بشارت
- دعای کم　　قوه کم
- دعای زیاد　　قوه زیاد
- بدون مسیح　　بدون دع
- روح کم مسیح　　روح کم دعا
- روح زیاد مسیح　　روح زیاد دعا

بلندترین نقطه کمالی که ما در این زندگی بدان نائل می‌گردیم قوه در دعا می‌باشد. وقتی خواهد آمد که سایر ذوق‌ها و استعدادها از بین خواهند رفت، لیکن ایمان، امید و محبت باقی خواهند ماند و تا ابدالاباد بیشتر متبارک و سعید می‌گردند. به وسیله دعا مقبول خدا می‌شویم و خدا ما را محافظت می‌نماید، به وسیله دعا ما در فیض روح‌القدس شرکت می‌کنیم و نیز به وسیله دعا کار بشارت را بهتر از پیش می‌بریم و برای رجعت مسیح در جلال آماده می‌شویم. اکنون باید تصمیم بگیریم که زندگانی جدیدی از طریق دعا شروع نماییم که در امور بشارت سرچشمه قوت باشد. هر روزه باید آیات ذیل را راجع به دعا مطالعه نماییم. قبل از دعا باید توبه نماییم و از گناه برگردیم (مزمور ۶۶: ۱۸و ارمیا ۳۶: ۷). در اعتراف گناه و توبه مزمور ۵۱: ۱- ۱۲ مطالعه شود. آن وقت حاضر خواهیم بود که به کار بشارت بپردازیم (مزمور ۵۱: ۱۲). با صمیمت دعا کنید (مزمور ۱۷: ۱). با حرارت دعا کنید (کولسیان ۴: ۱۲). در دعا استقامت داشته باشید (کولسیان ۴: ۲ و اول تسالونیکیان ۵: ۱۷). برای مبشرین دعا کنید (متی ۹: ۳۷). با اطمینان دعا کنید (اول یوحنا ۵: ۱۴و ۱۵).

۲- روح‌القدس

سر دوم بشارت قوت، برکت و هدایت روح‌القدس است. در بدایت امر به شاگردان مسیح حکم شده بود که قبل از شروع به کار بشارت منتظر قوه روح‌القدس باشند. مسیح از مردگان برخاسته بود و در آن ملاقات‌های با هیبت و موقر آخری با آن دسته کوچکی که بسیار دوست می‌داشت وقتی مجسم بود گویا آرزوی قلبی او کار بشارت بود. منظور مسیح محدود نبود، او دنیا را در نظر داشت. چه چیز این عده محدود ساده و بی‌علم مجهول را بر ضد قدرت عظیم امپراطور روم و بت‌پرستان عالم غلبه و نصرت داد؟ جواب این است که آنها شخصا از خود قدرتی برای غلبه نداشتند. بنابراین مسیح راه را به آنان نشان داد و به ما نیز می‌دهد. تنها راهی که انجیل می‌تواند در مقابل قوای متحده شیطان و دنیا فاتح گردد به وسیله روح‌القدس است. «لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال رسولان ۱: ۸). لغت یونانی که در اینجا «قوت» ترجمه شده «دونامیس» می‌باشد. قوت دینامیت هم از همین لغت مشتق است. قوه روح‌القدس دینامیت روحانی است و همین طور هم در دنیا ثابت شده است. شهادت به مسیح وقتی با قوت روح‌القدس توأم گردید، کوه‌های اختلافات را منفجر نموده شاهراهی برای پادشاه جلال در اقصی نقاط جهان ساخت.

برای ما مهم است که بدانیم این وعده قوه روح‌القدس بعد از آنکه پیروان مسیح مشغول دعای مطول و با حرارتی شده

بودند صورت گرفت، زیرا شاگردان مسیح با زنان مقدسه که از پیروان نزدیک خداوند ما بودند مشغول دعایی بودند که ده روز به طول انجامید (اعمال رسولان ۱: ۱۴ را ملاحظه شود). بعد از ده روز در نتیجه فیض روح‌القدس در آن قوه‌ای که مسیح وعده فرموده بود نزول نمود. با دقت واقعه نزول روح را در آن روز بزرگ پنطیکاست که در اعمال رسولان فصل دوم آیه یک الی چهار مندرج است قرائت نمایید. معجزات بزرگی با این نزول روح‌القدس همراه بود: شنیدن «آوازی چون صدای وزیدن باد شدید» از آسمان، ظهور «زبان‌های منقسم شده مثل زبانه‌های آتش» با قوه تکلم به زبان‌های مختلف «به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید» که در اثر آن از اهل هر ملت که اتفاقا حاضر بودند انجیل را به زبان مادری خود شنیدند. ظهور این معجزات مهم‌ترین چیز در روز پنطیکاست نبود، اما دو چیز مهم‌تر واقع گردید که نتیجه بیشتری داشت، اولا قوه‌ای که حواریون دریافت داشتند که زندگی پاک نمایند برای شهادت دائمی وجود روح مسیح و ثانیا قوه روح برای کامیابی در بشارت. از این به بعد طوری حواریون در تحت دستور، قوه و فیض روح‌القدس کار می‌کردند که بعضی این کتاب را «اعمال روح‌القدس» می‌نامند نه «اعمال رسولان.»

منظور ما از ذکر این تعمید کلیسای اولیه با قوه برای بشارت این است که ما شروع به ایفا و ادای شروط لازمه نماییم تا اینکه بتوانیم تعمید تازه قوه پنطیکاست را دریافت داریم. اکنون آن را در کلیسای این سرزمین و در کلیساهای تمام دنیا لازم داریم. روح‌القدس حاضر است، ما به محض آماده شدن چنان قوه‌ای را دریافت خواهیم نمود. در مطالعه کتاب اعمال رسولان می‌بینیم که چگونه در تحت هدایت روح‌القدس کلیسا ترقی و پیشرفت نمود. تفکر در این ما را مدد می‌بخشد که چنین پیشرفتی را در این سرزمین فراهم آوریم، برای اینکه در این موقع ایام «اعمال رسولان» در ایران است. چه سعادتی بالاتر از اینکه در تأسیس کلیسا در ایران شرکت جوییم. اکنون ذیلا اثرات روح‌القدس را در پیشرفت اولین کلیسا ملاحظه کنیم:

۱- وقتی اعضا با روح‌القدس پر شدند کلیسا در شهرت و نفوذ بزرگ می‌شد (اعمال رسولان ۲: ۴۷).
۲- وقتی قوت روح ظاهر گردید کلیسا در عده افزوده شد (اعمال رسولان ۵: ۱۴).
۳- در تحت هدایت روح‌القدس کلیسا توسعه یافت (اعمال رسولان ۹: ۳۱). نه فقط کلیسا در تمام سرزمین فلسطین پیشرفت نمود، بلکه در تمام دنیا نیز.
۴- با قوه روح کلیسا به نتایج بزرگ رسید تا آنجا که می‌توان گفت قسمت بزرگی از دنیا مغلوب شدند (اعمال رسولان ۱۷: ۶).

در خاتمه متذکر می‌شویم که هر مسیحی در جمع شؤون و اشغال دعوت بزرگی دارند، بزرگترین دعوتی که انسان فانی آرزوی آن را دارد؛ یعنی بشارت و بیان کلمات مسیح. خدا برای ما کتاب کاملی تهیه نموده که ما را در انجام این تکلیف بزرگ مدد نماید. باید کتاب مقدس را بخوانیم و در بشارت روزانه به کار بریم. دعا باید پایه این کار باشد و مخصوصا باید دانست نتایجی که از بشارت حاصل می‌گردد مربوط به سعی و اهتمام ضعیف ما نیست، زیرا ما قدرت عظیم روح‌القدس را داریم که با ما و به وسیله ما برای روح‌های ابدی به وسیله بشارت کار می‌کند.